

# آزادگی ایران

ارگان آزادیخواهان ایران

آزادیخواهان ایران متحد شوید!

بها: ۵ فرانک

مهر ۱۳۶۴

## رژیم خمینی در تنگنای جنگ

پس از سپری شدن ۵ سال، با آغاز حملات هوایی عراق به جزیره خارک، جنگ ایران و عراق وارد مرحله نوینی شده است. مباران ترمنیال نفتی جزیره خارک بوسیله حملات بی دریغ هواپیماهای عراقی موجب توقف صد و نفت گردید و دولت عراق ابراز داشته، مصمص است با انهدام کامل تاسیسات نفتی جزیره خارک شریان حیات اقتصاد رژیم جمهوری اسلامی (ر.ج.ا) را قطع کند.

بر طبق آمار ۵۰۰ هزار دلار در روز نفت ایران از طریق ترمنیال خارک انجام میشود و با توجه به اینکه اقتصاد تک محصولی ایران بستگی به صد و نفت بعنوان تنها منبع اصلی درآمد دارد، بنا بر این میتوان تصور کرد که در صورت ادامه حملات هواپیماهای عراقی و جلوگیری از صادرات نفت از جزیره خارک، ر.ج.ا. با چه مشکلات عظیمی دست بگیرد خواهد شد. اما ر.ج.ا. برای گریز از مهلکه کنونی چه بقیه در صفحه ۲

## درباره برخی از مسایل مربوط به دشمن اصلی مردم ایران

قسمت دوم

د. حزب تود ه و مسئله دشمن اصلی این جهان کوهست و فعل ما ندا بازگرد د این نداها سوسی ما "موسوی"

پس از ۲۲ بهمن ۷ رهبران حزب توده در بی سالیان در اقامت در خارج از کشور از طریق مختلف وارد ایران شدند. اندک زمانی سپری نگردید بقیه در صفحه ۴

## سفر بازرگان و هدف رژیم!

مهدی بازرگان دبیر کل "نهضت آزادی" به اتفاق مهدی توسلی بنا به دعوت بیست و سومین کنگره خاورشناسان آلمان "به آنکشور" سفر نمود. این کنگره از روزهای ۱۶ تا ۲۰ سپتامبر در شهر ورستبورگ آلمان تشکیل شد. این اولین مسافرت بازرگان بعد از اشغال سفارت آمریکا توسط دانشجویان پیرو خط امام و سقوط دولت موقت، به خارج از کشور میباشد.

بدین مناسبت "نهضت آزادی" اطلاعیه ای بقیه در صفحه ۱۰

## چاقوکشی حزب توده و اکثریت

در جشن اومانیته روزیک شنبه ۵ (سپتامبر ۱۹۸۰)، در دومین روز برگزاری مراسم جشن اومانیته در پاریس، در محوطه غرفه حزب توده هواکریت بارد یگرما هیت ضد مکراتیك حزب توده بقیه در صفحه ۱۶

## پایان مفتضح نمایش انتخابات

چهارمین ورنمایش انتخابات ریاست جمهوری رژیم اسلامی به پایان رسید. رهبران رژیم علی رغم هیاهوی تبلیغاتی و تدارکات گسترده های کبریا کرد نمودند، با شکست بزرگی مواجه شدند. تحریم "انتخابات" از سوی اکثریت مردم ایران در شرایطی که اختناق کم نظیری بر میهن در ریند مان مستولی است، نشانه رشد و آگاهی و در عین حال خشم و نفرت مردم از رهبران رژیم است.

بقیه در صفحه ۷

## فصلی در گل سرخ و سخنان اسکندری

بقیه در صفحه ۱۷

# سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی دشمن اصلی مردم ایران!

بقیه از صفحه ۱

## رژیم خمینی در تنگنای جنگ

خواهد کرد؟ در مقابل وی راههای مختلفی وجود دارد که عبارتند از:

- ۱- بستن تنگه هرمز
  - ۲- پیشروی در خاک عراق و حمله به چاهها و لوله‌های نفتی
  - ۳- حمله به کشورهای دیگر منطقه مانند کویت، عربستان سعودی، امارات متحد عربی و عمان و معباران تاسیسات نفتی و صنعتی
  - ۴- صدور نفت از طریق دیگر راه‌ها و وضع موجود
  - ۵- خاتمه دادن به جنگ و تن دادن به صلح
- حال ببینیم ر.ج. ۱۰ در باره موارد پنجگانه فوق از کدام پتانسیل و امکانات برخوردار می‌باشد.

### ۱- بستن تنگه هرمز:

ر.ج. ۱۰ بارها، در طول ۵ سال گذشته تهدید کرده است: در صورتیکه مصداقات نفت ایران خللی وارد شود، به بستن تنگه هرمز اقدام خواهد نمود. خامنه‌ای نیز در ۳۱ شهریورماه ۶۴ رسالگردد آغا از جنگ، تهدید قدیمی خود را یکبار دیگر تکرار کرد که اگر بمبارانهای عراق موجب توقف صدور نفت گردد ایران تنگه هرمز را بر روی کلیه کشورهای منطقه خواهد بست. رژیم اسلامی در زمانی متوسل به چنین تهدید هائمی میشود که عملاً در جبهه‌های جنگ با عراق، نمیتواند کاری از پیش ببرد. همچنین در مقابل نیروی هوایی پر قدرت و مجهز عراق - در بمباران جزیره خارک - قادر به مقابله نیست. بنابراین با تهدید های تو خالی عملاً نمیتواند مانند گذشته منطقه وجهان را دچار وحشت سازد. تنگه هرمز یکی از مناطق فوق العاده استراتژیک و حساس جهان است. رژیم ایران هنگامیکه نتوانسته

است در مقابل حملات هواپیما های بمب - افکن عراقی مقاومت کند، چگونه خواهد توانست در بستن تنگه هرمز با کشورهای چون آمریکا، فرانسه و انگلیس - که تحت هیچ شرایطی اجازه بسته شدن تنگه را نمیدهند - به مقابله برخیزد؟ تهدید به بستن تنگه هرمز یک بلوف سیاسی است. و کشورهای منطقه مانند کویت، عربستان سعودی و امارات متحد عربی نیز همین پایه بودند آن‌ها برده‌اند. البته رژیم ایران برای اینکه ابراز قدرت کند، محموله‌های برخورد کشتی‌ها را در هنگام عبور از تنگه هرمز مورد بازرسی قرار میدهند ولی نتوانسته جدا از این عمل کار دیگری انجام دهد.

### ۲- پیشروی در خاک عراق و حمله به چاهها و لوله‌های نفتی:

ر.ج. ۱۰ در طی ۵ سال گذشته برای "صد و انقلاب اسلامی" و "فتح قدس" از طریق عراق، عملاً نتوانسته به جز تصرف مناطق محدودی از خاک عراق، موفقیت چندانی احرار کند. در واقع پس از عقب نشینی قوای عراق از خاک ایران، رژیم اسلامی در حملات بی درین چند سال گذشته با از دست دادن صد ها هزار سرباز و پاسدار را کتر جبهه‌ها شکستهای سختی را متحمل شده و نشان داد که از پتانسیل و نیروی کافی برای اجرای اهدا خود برخوردار نیست. حال در شرایطی که عراق بمباران خارک پرداخته، رهبران رژیم ابراز کرده‌اند در صورت تکرار حملات عراق، چاهها و لوله‌های نفتی (بسیوی ترکیه و عربستان سعودی) عراق را از بین خواهند برد. اما با توجه به واقعیت وضع شدیدی نیروی هوایی رژیم اسلامی و همچنین تجهیزات جدید در سیستم موشکهای ضد هوایی عراق، انجام این امر و پیشروی در خاک عراق بسیار بعید بنظر میرسد.

### ۳- حمله به کشورهای دیگر منطقه (کویت، عربستان سعودی، امارات متحد عربی، عمان)

با توجه به اقدامات وسیع دفاعی کشورهای منطقه خلیج فارس و برخورد آری از نیروی هوایی بسیار مدرن و مجهز و مراقبت دائمی فضا بوسیله هواپیما های آواکس، رژیم جمهوری اسلامی قادر به انجام تهدیدات خود نمیشد. بنابراین رژیم اسلامی نمیتواند در شرایط کنونی با حمله هوایی بمباران مناطق صنعتی و نفتی ببرد. اما رژیم ایران کوشش میکند از هرگونه شکاف و امکاناتی برای تحت فشار قرار دادن کشورهای منطقه خلیج فارس استفاده کند. بازرسی و توقیف کشتی‌های تجاری ویرنا مریزی نیروی دریایی رژیم برای برگزاری بزرگترین مانور دریایی بوسیله ناوگان رزمی، ضربتی و پشتیبانی از جمله این کوششها و اقدامات محسوب میگردد. اما کشورهای عضو اتحاد همبستگی خلیج که شامل عربستان سعودی، کویت، امارات متحد عربی، بحرین، قطر و عمان میباشند با اتخاذ یک سری تاکتیکهای نظامی و برخورد آری از پوشش هوایی و دریایی کشورهای مصر، اردن، آمریکا و انگلیس به حالت آماده باش درآمده و در سه پایگاه اصلی در عربستان سعودی، بحرین و عمان به تشکیل یک نیروی مشترک بنام نیروی مداخله سریع پرداخته که شامل ۱۴ هزار تن میگردد. بنابراین کلیه اقدامات ممکنه برای مقابله با تجاوز ایران در نظر گرفته شده است و رژیم ایران عملاً قادر نیست به یک درگیری وسیع روی آور شود.

### ۴- صدور نفت از طریق دیگر راه‌ها و وضع موجود

رژیم اسلامی برای برپا نگه داشتن پایه‌های متزلزل اقتصاد کشور مجبور است در راه

## رژیم خمینی در تنگنای جنگ

صد و نفت بکشد. اما در حالیکه ترنمینال نفتی خارک و ایران شده و هواپیماهای عراق فرصت تعمیر را به متخصصین نمیدهند، رژیم ایران با تکیه بر ذخایر جزیر مسیری و لان تنها میتواند قریب به یکمدهصد و یک میلیون بشکه نفت در روز بپردازد. بنا بر این این سوال مطرح است که پس از پایان یافتن ذخایر نفتی موجود رژیم اسلامی چه خواهد کرد؟ کشیدن خط جدید لوله‌های نفتی به آنطرف تنگه هرمز و ترکیه متضمن مخارج زیاد و زمان نسبتاً طولانی است و رژیم ایران برای ایجاد آن به کمک کشورهای خارجی نیاز دارد. اینست که با ادامه وضع موجود در ج. ۱۰ در مخصه فوق العاد و خطرناکی قرار میگیرد که هائی از آن به سادگی میسر نیست.

۵ - خاتمه دادن به جنگ و تن دادن به صلح

فلسفه موجود آمدن رژیم در ایران در یک امر اساسی نهفته میباشد: ایجاد بحران، بی ثباتی و آشوب در منطقه فوق العاد و احساس و استراتژیک، و به خطر انداختن حیات سیاسی کشورهای نفت - خیز و شروتمند منطقه خلیج فارس. بسیاری از روابط و موضعگیریهای رژیم در ج. ۱۰ میبایست از این دیدگاه مورد بررسی قرار گیرد. رهبران جنگ طلب رژیم‌ها را و با صراحت تمام کلیه پیشنهادات صلح جویانه را از طرف هیئت‌های صلح و شخصیتها و نیروهای بی طرف رد کرد و هدف خود را سرنگون ساختن یک دولت دارای حاکمیت قرار دادند. آنان همواره قصد داشته‌اند تحت لوای "صد و انقلاب اسلامی" آتش جنگ را در سراسر منطقه خلیج فارس برافروزند. با ارزیابی همه جانبه از کلیه مواضع و عملکردهای رژیم در ۷ سال گذشته و شواهد غیر قابل انکار موجود میتوان با

قاطعیت و بدون تردید ابراز کرد: رژیم جمهوری اسلامی با تمام قوا جنگ را ادامه خواهد داد و امکان پذیر نیست در شرایط کنونی از جنگ دست بکشد و به صلح تن در دهد زیرا:

الف - در زمینه خارجی - رژیم وابسته جمهوری اسلامی مانند رژیم آلمان هیتلری ذاتاً جنگ طلب و تجا و زکار است. هدف از روی کار آمدن رژیم را این منطقه فوق العاد استراتژیک برهم زدن ثبات و توازن قوا میباشد. در ج. ۱۰ نقش خود را در این مورد به بهترین وجهی ایفا نمود. هدف از نظریه‌های جنگ طلب، پایان جنگ و برقراری صلح به کلیه برنامه‌هایی که توانسته است در سه سال گذشته موفقیت انجام شود و بهارهای از اهداف استراتژیک جامعه عمل بپوشاند، لطمه وارد خواهد کرد. بنا بر این برای بر این روال تعیین گردیده که جنگ ادامه داشته باشد.

ب - در زمینه داخلی - جنگ ایران و عراق بعنوان تنها وسیله موثر توانسته است کلیه مخالفتها، مبارزات و اعتراضات را تحت لوای "جنگ میهنی" و "مسئله اصلسی" سرکوب کرد و بنا بر اعترافات رهبران رژیم، ادامه جنگ موجب تثبیت و بقای رژیم شده است. "جنگ میهنی رژیم" از نظر داخلی موفقیت آمیزترین برنامه‌های بود که بدون آن حیات و بقای رژیم اسلامی مدتها پیش پایان پذیرفته بود.

اینست واقعیتهای منطقه خلیج فارس و نقش رژیم جمهوری اسلامی در باره جنگ ایران و عراق! اما باید واقعیتها این نکته اساسی را نیز باید یاد آور شد که رژیم اسلامی بعنوان دشمن اصلی مردم ایران رژیمی است ضد مکرانیک، ضد ایرانی و ضد انسانی! باید از تحولات اخیر که موجب ضایعات انسانی نیست ولی در

عین حال رژیم اسلامی را در تنگنا قرار داد و سرور شویم! با ادامه حملات و فلج گشتن شریان اقتصاد رژیم، مسلماً نارضایتیها و اعتراضات مردم صلح طلب و خسته از جنگ گسترش یافته، حیات رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی را به مخاطره افکند و سرنگونی آن را تسریع خواهد نمود.

بقیه از صفحه ۱۳  
نگاهی بر مطبوعات و اعلامیه‌های  
خارج از کشور

### "شورای متحد چپ" و جنگ ایران و عراق

شماره ۲۹ "پیام آزادی" نشریه شورای متحد چپ برای دموکراسی و استقلال پس از قریب به یکسال وقفه از انتشار آخرین شماره آن در مرداد ماه سال ۶۴ منتشر شد. ما انتشار مجدد این نشریه را به گرانندگان آن تبریک گفته و آرزو مندیم در مسیر مبارزات آزاد و خواهانان و دموکراتیک بر علیه رژیم جمهوری اسلامی موفق باشند.

در این شماره مقاله کوتاهی تحت عنوان "ادامه جنگ حربه خمینی علیه مردم ایران و عراق" بقلم ک. فرهاد "نگاشته شد" است که بیا نگر مواضع صحیح نشریه را مورد جنگ میباید. در قسمتی از این مقاله میخوانیم: "رژیم خمینی نمیتواند تن به صلح دهد و بهترین شرایط برای ادامه نقشه‌ها و برنامه‌هایش ادامه جنگ و شرایط جنگی و جنگ فرسایشی است. . . . و سپس با

برداختن به وقایع و ضایعات این جنگ ویرانگر و اثرات مخرب آن در زندگی مردم و کشور، به نتایج آن در زمینه بین المللی و منطقه‌ای اشاره کرد و مینویسد: "قدرتهای بزرگ جهانی، آمریکا و شوروی، منطقه را به صحنه نمایش نظامی خود بدل کردند و بیش از پیش از جنگ عراق و ایران برای

بقیه از صفحه ۱

## درباره برخی از مسایل مربوط به دشمن اصلی مردم ایران

که آنان با استقرار شدن در ایران به انتشار نشریه "نامه مردم" پرداختند و شعار "امپریالیسم آمریکا دشمن اصلی مردم ایران" را بعنوان شعار اساسی مطرح نمودند، بطوریکه این شعار همواره "زینت بخش" صفحات اول نشریات گوناگون حزب تود ه گردید. هدف رهبری حزب تود ه این بود که شعار مزبور بعنوان یک شعار استراتژیک کلیه روابط، فعالیتها، طرز تفکر و سبک کار حزب تود ه را تحت الشعاع قرار دهد. تا بتواند در قدمهای بعدی در رستراسر جا معایر ایران مطرح شود و در تعیین سیاستها رژیم جمهوری اسلامی مورد بهره برداری واقع گردد و مسیر سیاسی کشور را تعیین کند. بدین ترتیب بر طبق این ارزیابی رهبران حزب تود ه، "دشمن اصلی" مشخص شده بود و بدین وسیله هر اندیشه و برخوردی نمیتوانست مورد "سنجش" قرار گیرد تا از این دیدگاه دست و ست و دشمن از هم متمایز گردند. کلیه فعالیتها، نظریات و موضعگیریهای حزب تود ه ایران در هفت سال گذشته تحت لوای این شعار انجام گرفته است. رهبری حزب تود ه برای بکری نشان دادن شعاری فوق فعالیتهای دامنه ار خود را در د بخش عمد وجود آگاهانه متمرکز نمود: بخش اول شامل رژیم جمهوری اسلامی و کلیه ارگانهای آن بود و بخش دوم کلیه مسائل سیاسی مختلف مانند: حزب د مکررات کردستان، مجاهدین خلق، چریکهای فدایی، سازمان پیکار، رزمندگان، راهکارگر... و جنبه ملی، حزب ایران، گیسوه فرقان و... را در بر میگرفت.

البته بررسی صحیح و همه جانبه چگونگی تاثیر ایدئولوژیک و فعالیتهای

حزب تود ه و القای شعار امپریالیسم آمریکا دشمن اصلی مردم ایران در جامعه مدون توجه به موضعگیریها و عملکردهای این حزب در ۲۵ سال گذشته و بخصوص در پی تبعید خمینی در سال ۱۳۴۲ (به ترکیه و عراق و همچنین ورود وی به پاریس در ۱۰ مهر ماه ۷۵ هـ) امری ناقص و سطحی خواهد بود. بدین سبب ما توجه خوانندگان عزیز را به مطالعه مقاله "درباره ماهیت ادغام بین سیاست، بخش سوم شماره ۶ آزادی ایران" جلب میکنیم. اما بیوضوح میتوان دید که پس از ورود آقای خمینی به پاریس نیروها و عناصر گوناگون و ناهمگونی وی را احاطه نمودند و هرکدام به لطایف الحیل کوشیدند تا خود را به آیت الله خمینی نزدیکتر کرده و او را تحت نفوذ خود قرار دهند. یکی از نیروهای عمد در کنار آقای خمینی عاملین مخفی و مجرب حزب تود ه ایران بود. البته مبارزه سرسختانه بین نیروهای مختلف فشار در کنار آقای خمینی، پس از آمدن وی به ایران شکل نو وجودی پیدا نمود و هر روز با تعداد گسترده تری یافت. در این میان جناح طرفداران آقای بازرگان، یزدی و قطب زانه در موقعیت بهتری قرار داشته و به آقای خمینی نزدیکتر بودند. بهمین دلیل آنان پس از ایجاد دولت موقت از یاد پیروزی سرست شده بودند و در آن اوان به هیچ وجه نمیتوانستند کوچکترین تردیدی در ادامه حیات سیاسی خود - تحت رهبری آیت الله خمینی - داشته باشند. اما آنان بزودی بوسیله جناحهای مخالف تحت رهبری تشویقیستهای حزب تود ه از سر بر قدرت بیزیر کشیدند. حزب تود ه ایران توانست با مهارت، تشکل مخفی و فشرده دانشجویان خط امام، اشغال سفارت آمریکا را در ۳۱ آبان ۵۸ فراهم آورد. کمیته مرکزی حزب تود ه ایران در همان روز راعلامیه ای تحت عنوان "حزب تود ه ایران اشغال سفارت آمریکا، مرکز توطئه علیه انقلاب ایران را تأیید میکند..."

ایرا داشت: "خشم و نفرت مردم ایران از امپریالیسم آمریکا این دشمن اصلی و واقعی مردم ایران روز ۳۱ آبان ۵۸ به اوج خود رسید. ۵۰۰ مایکدل و یکصد هفتاد و هفتاد م، با مردم، مردم میکه پیروی از مشی قاطع ضد امپریالیستی و خلق امام خمینی، رهبران انقلاب ایران، در خیابانها فریاد میزنند پیروزی نهائی، اخراج آمریکائی، معتقدیم که تنها پاسخ قاطع و ضرور به امپریالیسم آمریکا، مبارزه متحد برای ریشه ساختن امپریالیسم، بسرکردگی آمریکا، از ایران عزیز ماست..."

با اشغال سفارت آمریکا، دستگیری گروگانها، سقوط دولت بازرگان حزب تود ه ایران توانست شعار دشمن اصلی امپریالیسم آمریکا را بکری نشانند و مسیر سیاسی رویداد های آیند را بطور کلی تعیین نماید و رویداد های بعدی در ایران را - از جمله جنگ ایران و عراق - تحت الشعاع قرار دهد. حال ببینیم نقش رهبران حزب تود ه در رابطه با بخش دوم یعنی نیروهای سیاسی مخالف رژیم جمهوری اسلامی به چه نحوی بود؟

با کمال تاسف باید ایرا کرد که در جنبش چپ و در بین نیروهای د مکرراتیک و مخالف رژیم جمهوری اسلامی، انگشت شمار بودند آن سازمانها، گروهها و اشخاص که از همان ابتدا متوجه شعارهای عوام فریبانه حزب تود ه ایران شدند. بجز معدودی از گروههای سیاسی مخالف رژیم جمهوری اسلامی اکثر سازمانها و نیروهای سیاسی چپ و د مکررات تحت تاثیر و نفوذ ایدئولوژیک حزب تود ه قرار گرفتند. بطوریکه این تاثیر ایدئولوژیک چون چتری آنان را در زیر سایه خود گرفت و شعار "امپریالیسم آمریکا دشمن اصلی مردم ایران" بعنوان شعار اساسی و تعیین کننده از جانب اکثر قریب به اتفاق سازمانها، گروهها و اشخاص پذیرفته شد. حزب تود ه ایران در عین حال توانست



بقیه: درباره برخی از مسائل مربوط به... از همان ابتدا بعلمت عدم موضوع گیری و هوشیاری سازمانها و گروههای مخالف بدرون آنان رخنه کرد و بدرون تشکیلات و در سطح رهبری با ظرافت تمام خطوط خنثی را پدید هکند. رهبری حزب تود همچنین با برنامه‌های حساب شده در ایجاد برخی از سازمانها و گروهها نقش اساسی برعهده داشت. حزب تود حتی با تامین کمکهای مالی در گسترش برخی از گروهها، موجب رشد ناگهانی و غیرطبیعی آنان گردید تا بتواند خطوط سیاسی، ایدئولوژیک، تبلیغاتی خود را از طریقشان در جامعه پدید هکند. برخی دیگر واداشت تا با ترور شخصیت‌های بانفوذ در رده رزمی اسلامی زمینه را برای رشد و استحکام بخشیدن نیروهای پیرو خط امام فراهم آوردند. ترور برخی از شخصیت‌های مختلف در رده رزمی جمهوری اسلامی مانند ترور سرلشکر قرنی، شخصی که با قاطعیت در مقابل حزب توده مخالفت کرد و بعلمت موقعیت خاص خود، میتوانست بطور موثر از فعالیتها و گسترش شبکه طرفداران موسوم به "پیروان خط امام" بر رهبری حزب تود جلوگیری کند - پیروزی بزرگی برای حزب تود ه ایران و پیروان خط امام محسوب میگردد. مسئولیت ترور سرلشکر قرنی را گروه مخفی وکامالانشناخته فرقان برعهده گرفت که قبلا جز چند اعلامیه بی محتوا درباره فرقان و اسلام رهیب زمینه سیاسی اثری از آنان دید ه نشد ه بود. آنان به ترورهای موفقیت آمیز شخصیت‌های دیگری نیز دست یازیدند که اکثرشان میتوانستند بطور موثر و آریند ه از نفوذ و فعالیت‌های حزب تود ه و پیروان خط امام جلوگیری کنند. امامت بعد از اشغال سفارت آمریکا سقوط در ولت بازرگان و مستحکم شدن مواضع پیروان خط امام دیگر احتیاجی به ترورهای گروه فرقان که تساه

حد و دی مورد توجه و پیگرد جناحهای مخالف قرار گرفته بود، نبود. بدین ترتیب گروه "فرقان" ناگهان لورفت و کلیه تشکیلات و قریب به ۴۰ خانتهی در نقاط مختلف تهران همراه با مقام یر متناهی ارز خارجی و سلاحهای گوناگون کشف گردید و رهبری و اعضایش دستگیر شدند. چند یر سپری نشد - ۴ ماه - که شخص گمنامی بنام "گود رزی" بعنوان رهبر گروه فرقان - در مطبوعات رژیم - معرفی گردید و ادعا ه اسلامی وی را محکوم به مرگ نمود. ولی مردم مهرگزار مقام موار در انتها مواضع و نظریات وی در زمینه‌های حساس مطلع نگردیدند. تنها وی در مصاحبه‌های با خبرنگاران مخفی و بدون اسم به برخی از سوالات اینچنین پاسخ داد:

خبرنگار: ریشه مخالفت شما از چه ناشی شده؟

گود رزی: ۰۰۰ این رژیم (دولت بازرگان) مدعیست که رژیم است اسلامی، در حالیکه سردمداران این رژیم روحانیت‌ها که امروز به عنوان هسته مرکزی و اصلی تصمیم گیری این رژیم مطرح هستند، بنظر ما هیچ پایگاه اسلامی ندارند. یعنی یک قشر، یک طبقه، یک باند هرچه که اسمش را بگذارید هستند، که بدو رو مدعی در انحصار داشتن شناخت اسلامی شده ۰۰۰ (۱)

خبرنگار: میخواستیم ببینیم که چه رژیمی را در دنیا برسمیت میشناسید؟

گود رزی: لیبی و کوبا ۰۰۰ اینها از نظری رژیمهای ملی و نه صد در صد خوب هستند (۲).

خوانند عزیزان این موضع گیریها چه نتیجه‌ای میتوانند بگیرند؟ البته مردم مهرگزار بی نیرند منابع و کمکهای مالی فراوانی که گروه "فرقان" دریافت داشته از کجائاتمین شد ه بود. ۶۵ نفر بقول آقای گود رزی گرد هم جمع شدند و ناگهان با برخورد اربودن از امکانات مالی فراوان هها خانتهیمی تشکیل دادند و به ترور افراد چون قرنی و ۰۰۰ پرداختند. مصاحبه گران ناشناس حتی یک سوال نیز پیرامون دلیل و نحوه

اجرای ترورهای انجام شد ه از جانب گروه "فرقان" مطرح ننمودند؟ آنان نیرسیدند که به چه دلیل قرنی را ترور کردید؟ منابع مالی شما از کجائاتمین میشد؟ سلاحهای گوناگون خود را چگونه فراهم آوردید؟ سایر اعضای دستگیر شد ه گروه فرقان چه کسانی بودند؟ چرا آنان معرفی نشدند؟ آیا خواننده ه اند یرشمنند میتوانند به این پرسشها جواب گوید؟

اما یک امر پوشیدنیست و آن اینست که خطوط کلی فکری آقایان گروه "فرقان" همان خطوط و مواضع پیروان خط امام بود. ولی همانگونه که دانشجویان مخفی و ناشناخته پیروان خط امام اکثر اینها مانند نامشان هرگز آشکار نگردید، پس از اشغال سفارت آمریکا و ایفای نقش خود روانه جبهه‌های "جنگ میهنی" شدند و بسیاری بطور ناگهانی و دست جمعی در جبهه‌ها از بین رفتند، رهبری "فرقان" نیز مدت ها قبل از آنان پس از اجرای وظایف محوله در مقابل جوخه آتش قرار گرفت. گروه "فرقان" به رهبری گود رزی و سایر اعضای دستگیر شد ه نام و نشان، آگاهانه و نا آگاهانه قربانی و وسیله‌ای برای به انجام رسیدن اهداف معین پیروان خط امام شد ه بود. و البته حزب تود ه ایران بعنوان یک حزب به اصطلاح سیاسی و معتقد به مبارزه سیاسی - ایدئولوژیک نمیتوانست کوچکترین ارتباطی با یک گروه تروریستی مانند "فرقان" داشته باشد!

بررسی و توجه دقیق به نقش علی و سیاسی گروه‌های چون "فرقان" و چگونگی بوجود آمدن و از بین رفتن آنها (البته از این قبیل گروهها و دسته‌ها کم نبودند) و اینکه فعالیت‌های آنان تحت لوای کدام شعار و در خدمت کدامیک از جریان‌های سیاسی و جناح‌های رژیم اسلامی قرار گرفت، از آن جهت حائز اهمیت است که میتواند کمک فراوانی به مادر شناخت صحیح از تضادهای بقیه در صفحه ۶

بقیه از صفحه ۵

## درباره برخی از مسایل مربوط به دشمن اصلی مردم ایران

د روش جامعه ایران بنماید .

البته یکی از اهداف حزب تود در طرح شعار "امپریالیسم آمریکا دشمن اصلی مردم ایران" و بردن آن به میان چپ این بود که نیروهای چپ را تحت نفوذ ایدئولوژیک - سیاسی خود قرار دهد تا از رشد مبارزات و رشد آگاهیه های هزاران هزار جوانی که در جستجوی راه برای تحقق آرمانهای دموکراتیک و آزاد یخواهان و خدمت به مردم هستند دید ایران از هیچ جانفشانی و تلاشی دریغ نمی نمودند ، جلوگیری کند ، به ایستادگی رهبران حزب تود علیه گروه های سیاسی مختلف را با بدقت زیر نظر قرار دادند و با ایجاد تشکیلاتی جداگانه از همان اوان برنامه منطقی برای رخنه و نفوذ در بین گروه های مترقی و دموکراتیک را تدارک دیدند . آنان کارهای پرتجربه و ناشناخته را برای اجرای این امر مامور کردند . البته کلیه سازمانها و گروه های که از مواضع روشن و صریحی در مقابل خطوط ایدئولوژیک - سیاسی حزب تود برخوردار نبودند و رهبران آن هوشیاری و تجربه لازم را نداشتند و خود را آماج چنین تهاجمی نکرده بودند ، بزودی ویران و حتی ما موران نفوذی تود های که برای پیوستن به سازمانهایشان بیتاب میگردند را با آغوش باز پذیرفتند . در عین حال نباید این امر را فراموش کرد که برخی از سازمانهای مترقی و دموکراتیک به علت داشتن نقاط ضعف ایدئولوژیک - سیاسی و تشکیلاتی ، از مدت ها قبل ، حتی از زمان ایجاد هسته مرکزی تشکیلات و سازمان از وجود عاملین و طرفداران حزب تود به بین بهره نبردند .

اگر خواننده این سطوری را توجه به سخنان نگارنده که بر اساس تجربیات عینی ، تلخ و طولانی چندین دهه بسیاری از رفقا ،

دستان و عزیزان از دست رفته و از دست نرفته ، کسب شده - نظری بر تاریخچه هفت ساله سازمانها و گروه های گوناگون بیفکنند ، مطمئن می توانند نمونه های فراوانی را در موارد ذکر شده به شمار آورند . برای مثال میتوان پرسید : دلایل اساسی انشعابات گوناگون در سازمانهای مختلف چه بوده است ؟ چرا برخی از سازمانها در شرایط بحرانی ناگهان از هم جدا شدند ؟ چرا بسیاری از سازمانها و گروهها به تبعیت از حزب تود شعار "امپریالیسم آمریکا دشمن اصلی مردم ایران" را در سر لوحه نشریه خود قرار دادند ؟ چرا در سازمان چریک های فدائی خلق انشعاب رخ داد ؟ عامل اساسی این انشعاب چه بود ؟ آیا رهبران "اکثریت" از همان ابتدا دارای خطوط و تفکر غلط و انحرافی نبودند ؟ آیا در میان آنان میتوان کسی را پیدا کرد که از ابتدا ای فعالیتها به عنوان نمایندگانی از حزب تود مبدع رون سازمان چریک های فدائی رخنه کرد مباد ؟

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر چگونه ؟ چرا سازمان پیکار متلاشی شد ؟ چه کسانی در رون سازمان مسئولیت اصلی این تلاشی را بر عهده دارند ؟ چه کسانی در رون سازمان پیکار موجب لورفتن و اعدا امری از بهترین و از خود گذشته ترین مبارزین شدند . آیا این امر تصادفی بود که یک سازمان مترقی و قیقا همان شعار حزب تود را بعنوان شعار محوری سازمان در صفحه اول نشریه خود قرار دهد ؟ سازمان پیکار در مورد اشغال سفارت آمریکا و گروگان گیری چه مواضعی را اتخاذ نمود ؟ آیا امپریالیسم آمریکا برای توهم تود هادست به اشغال سفارت آمریکا و گروگان گیری زد بود ؟ در این میان نقش افرادمانند حسین روحانی بعنوان تئوریسین و نویسند بسیاری از مقالات و جزوه های تئوریک سازمان پیکار چه بود ؟ در هنگامیکه گروه ، گروهها و افراد اراد و اعضا

سازمان پیکار لورفته و دستگیر شدند ، و در زیر شکنجه های رژیم اسلانی مقاومت کردند و در مقابل جوخه های آتش با مشت گره کرده رژیم جنایتکار را به مبارزه طلبیدند و پیمان خود را با مردم مستمندی ایران تجدید کردند ، هنگامیکه خون پاک عزیزانی چون مونی ها ، انیالی ها ، ارژنگ رحیم زادها و . . . که وفادار و مصمم هرگز تسلیم نشدند ، برخاک میریختند آقایانی چون حسین روحانی ها چه کردند ؟ حسین روحانی در مصاحبه تلویزیونی در جواب به سوالات "دستان انقلاب اسلامی" گفت : "علی بیست روز فاصله ای که بین مصاحبه اول و دوم بود ، تغییراتی در زمینه تئوریک که باعث برخورد مجدد من با مواضع سازمان شدند در من پدید آمد . . . مهمترین برخورد های عقلی که در زندان با پاسداران و افراد مختلفی که با آنها تماس داشتم روی من تاثیر گذاشت و تبعاً از زحیلی از ذهنیگرها که رگدشته داشتم و برای بسیاری از زندانیان مطرح بود . . . رها کرد . . . من به ایستادگی نتیجه رسیدم که رژیم اسلانی یک رژیم مردمی ضد امپریالیستی و اسلانی است و توصیه من به آنها ( سایر اعضای زندانی پیکار که تسلیم نشده بودند ) اینست که از تود ها نبرند و در کنار آنها باشند . " وی در پایان مصاحبه خواهش کرد که با امامت ملاقاتی داشته باشد . ( ۳ )

آقای حسین روحانی و برخی دیگر از رهبران پیکار رسادگی تمام اصول و اهدافی که ادا میگردند به آن اعتقاد دارند و از زیر پا گذاردند . اما برای چندمین بار چنیسین نماینده های مضحک و ناراحت کننده ای میبایست تکرار کرد که تا بتوان به ریشه های در زمینه های ایدئولوژیک سیاسی مسئله ، در رون سازمانهای چون پیکار بر داخت ؟

بقیه از صفحه ۱

### پایان مفتضح نمایش انتخابات

تحت چنین رژیم فاشیستی مسلماً انتخابات نمیتواند معنا و مفهومی داشته باشد و نتایج ساخته و پخته آن از قبیل مشخص بودن و وفادار هر نوع اعتباری است. انتصاب و ابقای مجدد خامنه‌ای در پست ریاست جمهوری کاملاً قابل پیش بینی بود. حتی در صورت تغییر مهره‌ها نیز، تغییر و تحولی در اوضاع به نفع مردم صورت نمیگرفت. در جریان تبلیغات انتخاباتی، تضاد های درونی هیئت حاکمه و کشکشمهای جناح های مختلف بر سر قدرت حادث گردید و با وجود کوششهای فراوان در حفظ ظاهر قضیه، اختلافات در اشکال گوناگونی بروز نمود.

حذف ۷ تن از نامزد های انتخاباتی بعثت "نداشتن صلاحیت" و معرفی تنها ستم از آنان نشانگر این امر است که رهبران رژیم حتی حاضریدند آن کوچکترین امتیازی به مخالفان در رونی خود نمیباشند. وجود نامهای عسگر اولادی و محمود امامی کاشانی در کنار نام خامنه‌ای نیز جز صحنه سازی سلیبی تبلیغاتی هدفی دیگرند. اشتاد و رواقع جناح پر قدرت هیئت حاکمه سرخ کلیه جریانات پشت پرده مراد دست داشته و با اطمینان کامل سایر رقبا را از میدان بدر کرد. در این میان "نهضت آزادی" به رهبری مهدی بازرگان با اعلام مشرکت مشروط در انتخابات و تقاضای "حد اقل آزاد یهای فردی" دست به یکسری مانورهای تبلیغاتی زد. گویا در شرایط کنونی ایران فضا و مکانی برای انجام انتخابات آزاد وجود دارد. ولی عمل نتوانست اجازه بیشتری کسب نماید. در رواقع هدف رهبران رژیم علم کردن آگاهانه آنان به عنوان اپوزیسیون داخل رژیم، ایجاد توهم و بهره برداری تبلیغی از آن بود. از سوی دیگر نگاهی به ارقام و آمار ساختگی رژیم و مقایسه

آن با واقعیات، نمایانگر شکست این دوره "انتخابات" میباشد. با وجود اینکه از طرف وزارت کشور تعداد اوراق انتخابی چاپ شد ۳۵ میلیون اعلام گشت و حد اقل سن رای دهندگان به ۱۵ سال تنزل یافت، عوامل فریبیها و تهدیدات خمینی و سایر رهبران رژیم رکشانند اجباری مردم به پای صندوقهای اخذ رای نتوانست مؤثر واقع گردد. با توجه به افزایش جمعیت کشور و رواقع تعداد واجدین شرایط به رقمی در حد ۲۵ میلیون تن بالغ میشود. یا شاهد هر رقم ارائه شده از طرف رژیم (یعنی تعداد حد و ۱۴ میلیون کل آرا) - که از این تعداد ۱۲ میلیون رای بنام خامنه‌ای استخراج قرائت گردید -، بروشنسی مشخص میشود که اکثریت واجدین برای رای دادن، از شرکت در انتخابات خودداری

کرد هاند. این رقم مسلماً تعداد واقعی رای دهندگان را منعکس نمیکند. ولی با تمام صحنه سازیهای رژیم رقم ارائه شده نسبت به نتایج "انتخابات" دوره های پیشین تنزل یافته و به اندازهای چشمگیر بود که رهبران رژیم نیزید ان اعتراف نمودند و بهانه های واهی بسیاری را برای موجه جلوه دادن آن عنوان کردند. ولی دیگر حنا ی آنان در رنز هیچکس رنگی ندارد. در رواقع تحریم انتخابات، پاسخ منفی بود در مقابل فتوی خمینی که گفته بود: هر کس در انتخابات شرکت نکند، مخالف جمهوری اسلامی است. تحریم انتخابات و پایان فضاحت بار آن بیانگر مخالفت مردم ایران با کل سیاستهای ضد ملی و ضد مردمی رژیم جمهوری اسلامی میباشد. □

بقیه از صفحه ۶

### درباره برخی از مسایل مربوط به ...

نبود. سازمان بیکار به تبعیت از حزب توده شعار عمدتاً حزب را در مورد "شمن اصلی" پذیرفته بود. بنا بر این بسیار طبیعی بود که افرادی مانند حسین روحانی برای پیاده کردن خطوط انحرافی و غلط در باره بسیاری از مسایل ایران در رهبری بیکار جای گیرند و همان سخنانی را در مصاحبه تلویزیونی در تائید امام و اسلام و انقلاب اسلامی "ابراز کنند که رهبران حزب توده چند سال بعد در رد مارکسیسم و طرفداری از "انقلاب اسلامی" در ادگامهای انقلابی و مصاحبه های تلویزیونی بیان کردند.

بعنوان نتیجه گیری در این بخش باید یاد آوری کرد که رهبران حزب توده هرگز نتوانستند بطور مستقل بر اساس اوضاع مشخص و واقعیتهای جامعه ایران به شناختن دشمن اصلی و واقعی مردم ایران بپردازند. آنان به مسئله تضاد عمدتاً درونی در جامعه ایران توجه نکردند. تمام هم و غم

آقایان رهبران حزب توده معطوف به ارزیابی یکجانبه بود. یکتهد ه از روابط جهانی و توجه به تضاد های خارجی و بین المللی گردید و آنان کوشش نمودند این امر را به جامعه ایران تزریق کنند. اینست که خود نیز با زبچه همان عوامل و تضاد های خارجی قرار گرفتند. و در رکشاکش در هر هنگام میکه وظایف خود را انجام دادند و بوجود شان چند ان احتیاجی مانند سابق نبود یکباره دستگیر شدند و روانه زندانهای همان رژیم گشتند که خود در بوجود آوردن، تشبیت و رشد، آنهم تلاش و کوشش میدول داشته بودند.

ادامه دارد  
یادداشتها

- ۱- مصاحبه اختصاصی روزنامه آزادگان با رهبر گروه فرقان ۵۹/۲/۲۹
- ۲- جمهوری اسلامی ۵۹/۳/۸
- ۳- از مصاحبه تلویزیونی حسین روحانی به تاریخ ۶۱/۲/۱۵

# ایران

## در ماهی که گذشت

### اعتراف به وجود سانسور

منتظری در دیدار با تعدادی از مسئولین و اعضای هیئت تحریریه روزنامه اطلاعات، کیهان و جمهوری اسلامی در تاریخ ۲۱ شهریور ۶۴، از مسئولین سن روزنامه‌های مربوطه "انتقاد" کرد و متذکر شد: روزنامه‌ها ساخنگو و ارگان حکومت شده‌اند. وی در قسمتی از سخنانش گفت: "روزنامه‌ها همان است که جمهوری اسلامی می‌خواهد، همان است که دولت می‌خواهد، همان است که رئیس جمهور می‌خواهد، همان خط را تعقیب میکنند و تقریباً رخیلی مطالب با هم مشترکند".

منتظری سپس به یکواختی مطالب روزنامه‌ها اشاره نمود و بیان کرد: "این جور نباشد که هر چه را می‌گویند همان را هر سه روزنامه بنویسد و هر سه یکی هم باشند. این به نظر من در روزنامه‌ها یک عیب است و لذا خواننده و مشتری هم کم است و خریدار ندارد".

منتظری سپس خاطر نشان ساخت: در روزنامه‌ها باید یک نحوه آزاد باشد و روزنامه‌ها سراغ این بروند که ولتی نباشند، ارگان حکومت نباشند و خودشان مستقل باشند.

این امر که روزنامه‌های ولتی ارگان ولند گوی تبلیغاتی رهبران رژیم هستند و مطالبی خارج از چارچوب سیاست‌ها و گفته‌های آنان را منعکس نمیکنند، واقعیتی است آشکارا و انکارناپذیر که حتی منتظری

نیزید ان اعتراف میکند، اما منتظری با بیان این سخنان و "انتقادات" بگونه‌ای وانمود میکند که گویا مطبوعات میتوانند مستقل وجد از سیاست‌های رژیم جمهوری اسلامی عمل نمایند. رژیمی که هرگونه نغمه آزاد ی خواهان‌های راسرکوب مینماید و اختناق، کشتار، و سرکوب مخالفین یکی از پایه‌های بقایش میباشد، مسلماً از مطبوعاتش نیز بیش از این نمیتوان انتظار داشت.

### بمباران خارک و ورود اد‌های اخیر جنگ

بد نیال بمباران ترمینال تاسیسات نفتی خارک توسط عراق که از نبرد هم‌اوت آغاز شد، صد و نفت ایران از طریق خارک قطع گردید. قبل از حملات عراق میزان صد و نفت به ۱/۵ میلیون بشکه در روز میرسید، اما در حال حاضر روزانه حدود ۲۵۰ هزار بشکه نفت از طریق جزیره لاهان صادر میشود و مقدار ذخیره نفت ایران در جزیره سیری ۱۵ میلیون بشکه میباشد که این مقدار تنها کفاف ۲ الی ۳ هفته صادرات را مینماید. با توجه به اینکه حدود ۹۰ درصد صادرات نفت از منطقه خارک صورت میگیرد و ۸۰ درصد درآمد رژیم از صادرات نفت بدست میآید، با تقلیل فاحش صد و نفت، مشکلات و حران اقتصادی که رژیم‌ها آن دست به گریبان میباشد، تشدید پیدا کرد است. دولت عراق هدف از حمله ترمینال

خارک را نابودی آن ذکر نمود متابذ بنوسیله رژیم جمهوری اسلامی را وادار نماید که به پذیرش صلح و خاتمه جنگ تن در دهد. همزمان با بمباران خارک و کاهش صد و نفت ایران، عراق برای صد و نرفت خود خط لوله نفتی جدیدی را از طریق عربستان سعودی مورد بهره‌برداری قرار داد است. که از زمانوا میرمیزان صد و نرفت از این خط لوله روزانه از مقدار فعلی ۲۰۰ هزار بشکه به ۵۰۰ هزار بشکه در روز خواهد رسید.

در پی بمباران خارک، سردمداران رژیم که همواره مراد امه جنگ تاکید میورزند، کشورهای منطقه را به بستن تنگه هرمز تهدید نمود هاند. در این رابطه موسوی خامنه‌ای رئیس جمهور رژیم در روز ۳ شهریور ماه در مراسمی به مناسبت "هفته جنگ" در میدان آزاد ی تهران گفت: "اگر حملات هواپیما های عراقی قطع نشود ایران با بستن تنگه هرمز جلوی صد و نرفت را از خلیج فارس میگیرد و جریان نفت کشورهای این منطقه را متوقف میکند". هاشمی رفسنجانی نیز طی سخنانی چنین گفت: "ما در صد و نیک یورش بنسزرگ دیگری در جنوب هستیم و اجازه نمیدهم عراق نفت خود را از عربستان و از طریق لوله و دریای سرخ صادر کند".

تهدید های رژیم خمینی مبنی بر بستن تنگه هرمز با عکس العمل‌های شدید کشورهای منطقه و غرب روبرو شده است. چنانچه مطبوعات کویت نوشته‌اند که اگر جمهوری اسلامی تنگه هرمز را ببندد و به هریک از





### ایران، در ماهی که گذشت

کشورهای منطقه خلیج فارس حمله نماید یا عکس العمل شدیدشش کشور عضو شورای همکاری خلیج فارس یعنی کویت، عربستان سعودی، بحرین، قطر، عمان و امارات متحده عربی روبرو خواهد شد.

از طرفی رونالد ریگان در روز ۲۹ شهریور ماه در پیامبراد یوشی هفتگی خود بیان داشت: «ما تصمیم داریم جریان نفت را از خلیج فارس حفظ نمائیم».

در این میان رژیم خمینی باز دیگر میانجیگری «کمیته اسلامی» که هشتمین اجلاس خود در روز ۲ شهریور ماه در جد میرگزار کرد را رد نمود و کماکان بر روی ادامه جنگ تا سقوط صد امپریورزی نهائی پافشاری مینماید.

#### مخالفتین عرفات در تهران

یک هیئت فلسطینی متشکل از سرهنگ ابوموسی رهبر "جنبش فتح" احمد جبرئیل در بیرکل "جبهه خلق برای آزادی فلسطین" ابوماهر الیمانی عضو فترسیاسی این جبهه و فرجان ابولسجا عضو هبری "جنبش الصاعقه" در ۱۳ مرداد ۶۴ وارد تهران شد.

ابوموسی هدف از این سفر را - که در آستانه برگزاری کنفرانس فوق العاد مسران عرب در مراکش انجام گرفت - مستحکم تر کردن روابط بین خویش و رژیم جمهوری اسلامی دانسته و گفت: «ما به ایران آمده ایم تا تاکید کنیم ملت فلسطین تنها نیست بلکه جمهوری اسلامی ایران، سوریه و لیبی در کنار ما هستند». ابوموسی همچنین خواستار تشکیل پیمانی از نیروهای انقلابی منطقه در مقابل پیمان سه جانبه بغداد، امان، قاهره شد.

در رابطه با جنگ ایران و عراق، ابوموسی

با حمایت از ایران در جنگ، سیاست صدام در مقابل ایران را تاجا و زکارانه دانست.

ابوموسی در بیان سخنانش ضمن تاکید بر نقش جمهوری اسلامی در لبنان از رژیم خواست که در رخنش کردن "توطئه ها" در لبنان سعی و کوشش بیشتری مبذول دارد. لا زمه یاد آوری است که ابوموسی و ابوماهر الیمانی از رهبران سازمان آزاد بیخش فلسطین بودند که بعد ها با حمایت مالی سوریه از آن جدا شده و با تشکیل "جنبش فتح" به مخالفین یا سرعرفات پیوستند.

از زمان جدایی این عده از سازمان آزاد بیخش فلسطین این اولین بار است که هیئتی از مخالفین یا سرعرفات رسماً از ایران دیدار میکنند. همچنین ایران نیز اولین کشور غیر عربی است که این جنبش را برسمیت شناخته است.

#### توسعه روابط ایران و شوروی

محمد حسین عادل مدیر کل اقتصادی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی در اس هیاتی روز ۱۷ شهریور ماه به مسکو سفر نمود. رژیم هدف از این سفر انجام مذاکراتی در زمینه فعال کردن کمیسیون مشترک اقتصادی ایران و شوروی و همچنین مسائل اقتصادی و سیاسی ذکر کرد.

قبل از انجام سفر مذکور تاریخ ۱۱ شهریور یولد ریف سفیر اتحاد شوروی در ایران ضمن ملاقاتی با محمد حسین عادل آمادگی آن کشور برای آغاز مذاکرات مقداتی در مورد همکاری اقتصادی بین دو کشور را اعلام داشت.

و ایران نیز بر توسعه روابط اقتصادی طرفین تاکید نمود.

در پیداری که محمد حسین عادل با قائم مقام وزیر امور خارجه شوروی در مسکو داشت، طرفین ضمن تاکید بر لزوم گسترش همکاریهای اقتصادی فیما بین، آمادگی خود جهت مذاکرات در و کشور پیرامون

بخشهای مختلف اقتصادی و افزایش حجم مبادلات بازرگانی، معادن، کشاورزی و گاز را اعلام داشتند و خواهان افزایش تماسها و مذاکرات مقامات دو کشور گردیدند.

در پیورژیم جمهوری اسلامی در روز ۲۵ شهریور اعلام کرد که هیات ایرانی در سوئین در مذاکرات خود با مقامات شوروی در راه احیای واقعی روابط اقتصادی ایران و شوروی بحث و تبادل نظر نمودند و قسرار است این کمیسیون در سطح وزیران در نیمه اول سال ۱۹۸۶ تشکیل شود و در پایان این مذاکرات یادداشت تفاهمی در مورد روابط اقتصادی بین طرفین به امضا رسید. هم چنین در مذاکرات همکاریهای و کشاورزی در باره مسائل برق، نفت، گاز و آب آهسن مورد بررسی قرار گرفت. و در مورد همکاری در زمینه های کشاورزی، ساختمان سیلو، کشتیرانی، خانه سازی، شیلات و بهره برداری از رودخانه های مرزی به بحث و تبادل نظر پرداختند.

بنابر اخبار، ایران یک منبع عظیم گاز در سرخس کشف نمود است. و روز ۱۰ شهریور محمد غرضی وزیر نفت جمهوری اسلامی علاقمندی ایران را در همکاری برای اکتشاف منابع گاز در ریای خزر یا شوروی ابراز داشت.

#### در یافت سلاحهای جنگی

خبرگزاری کیودو، در گزارشی که ۲۱ مرداد منتشر نمود به نقل از منابع خارجی در ایران گفت که ایران از ماه ارس سال جاری سلاحهای وارداتی خود را از طریق خاک شوروی وارد میکند. این راه و ما پس از آنکه عربستان سعودی شروع به جلوگیری از ورود اسلحه به ایران نمود، مورد استفاده ایران قرار گرفته است. طبق گزارش خبرگزاری مذکور

بقیه از صفحه ۱

## سفر بازرگان و هدف رژیم!

منتشر نمود و در آن بیان داشت: "بازرگان در خارج از کشور با مخالفین رژیم ملاقات نخواهد کرد. زیرا ممکن است فعالیت نهضت آزاد را از جانب رژیمها اشکالاتی روی رونمایند. در ضمن رسانه‌های خبری رژیم جمهوری اسلامی در زمینه این سفر هیچگونه خبری را منتشر ننمودند. مهدی بازرگان در سخنرانی که در رکنگه مزبور ایراد کرد به سوالاتی که در ارتباط با سیاستهای رژیم جمهوری اسلامی از وی بعمل آمده بود، پاسخی نداد.

در شرایطی که رژیم اسلامی تاب تحمل هیچگونه مخالفتی را بر علیه خود ندارد، بازرگان با وجود "دیکتاتور" نامیدن سران رژیم کماکان به فعالیت خویش ادامه داده و حتی میتواند به خارج از کشور نیز سفر نماید. حال چگونه است که سرمد مداران رژیم جمهوری اسلامی به وی اجازه خروج از کشور را میدهند. در حالیکه باید رهبران "نهضت آزادی" به پشت گرمی و حمایت دول غربی از دید آنان پوشیده نیست. و هدف رژیم از ادان چنین اجازه‌ای به بازرگان چیست؟

بازرگان و همفکران وی که در ایجاد رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی نقش بسزایی را داشته‌اند، علی‌رغم اختلافاتی که با جناح غالب حاکمیت دارند، به علت منافع آزمندانه خویش همچنان تحت کنترل رژیم به حیات خود ادامه میدهند و رژیم با زیرکی و موقع‌شناسی هر زمانی که صلاح بداند از آنان استفاده می‌کند. در واقع رژیم خمینی با اجازه خروج به بازرگان بدینوسیله مارد یگر به نفع خود به بهره‌برداری تبلیغاتی پرداخته و میخواهد در رتبه افکار عمومی اینگونه وانمود نماید: در کشور آزاد یهائی وجود دارد که نفع آنها اپوزیسیون داخلی رژیم میتواند از

اجازه بخش اعلامیه، اطلاعات، جزوات، کتب و... خویش برخوردار باشد، بلکه اجازه خروج از کشور و سفر به کشورهای غربی مانند آلمان و بلژیک را نیز دارد.

بنابراین اخبار گوناگون بازرگان در خارج از کشور یاتی چند از "مخالفتان رژیم از جمله آقایان حسن نژاد و احمد مدنی ملاقات داشته است. اما این خیر از جانب طرفین ملاقات کنند همورد تکذیب قرار گرفته است.

پس از اینکه دولت موقت بازرگان سقوط نمود و "نهضت آزادی" به مرور نفوذ و قدرت خود را در اکثر ارگانها و سازمانهای دولتی از دست داد و وسیله نیروی مخالف خود کنار گذاشته شد، شواهد امر ثابت میکنند که نیروی غالب در حاکمیت همواره تا جایی اجازه فعالیت به "نهضت آزادی" داد هاست که هیچگونه خللی به منافع وی وارد نگردد. این بار نیز همانگونه که از اطلاعات "نهضت آزادی" در رابطه با سفر بازرگان آشکار میشود رژیم جمهوری اسلامی با شرط و شروطی اجازه سفر به بازرگان را داده است که وی "پارا از گلیم خود فراتر نرود". به همین دلیل می بینیم در اطلاعاتی که ترس و طرز آورد میشود که: "بازرگان با مخالفین رژیم ملاقات نخواهد کرد زیرا ممکن است فعالیت نهضت آزاد را از جانب رژیمها اشکالاتی روی رونمایند."

بازرگان هنگام بازگشت به ایران نامه‌ای خطاب به "ایرانیان آواره" منتشر کرد و در قسمتی از آن ضمن "توصیه‌هایی" به آنان میگوید: "عرض دو... دعوت ایرانیا ن به بازگشت به ایران به جای توطن در خارج و بنا هندی و کمک خواهی از بیگانگان علی‌رغم ناپسانیه و هر نوع گرفتاری میباشد. کشور ما در حال حاضر هم احتیاج به خدمتگزاران

و کار دانان دارد و هم در وفیاد ی که از درونها برآمد به اشهادت و هرجا احت و جمعیت به گوش مسئولین فرود آید، کار ساز تر خواهد شد."

می بینیم در شرایطی که خفقان بی سابقه ای بر کشور ما حکم فرماست و بر اثر جواختن ناق، عد م آزادیهای سیاسی و مشکلات بیشمار داخلی، دامنه اعتراضات و مخالفتهای مردم نسبت به رژیم ضد مکرانیک و ضد انسانی خمینی افزونتر شد هاست و روزانه عده بیشماری از مردم ایران جلای وطن نمود ه و به خیل آوارگان ایرانی در سراسر جهان می پیوندند، بازرگان آنان را دعوت به بازگشت و همکاری با رژیم اسلامی مینماید تا بدین ترتیب به او و مهر چه بیشتر آن یاری رسانند. اما بازرگان که در "اشهادت" و "صراحت" میزند، فراموش می کند چگونه هزاران تن از افراد مبارز و مخالفی که با اشهادت و صراحت بر علیه رژیم خمینی مبارزه نمود هاند، تا کنون اعدام شده و یاد رزندانها بسر میبرند. آیا جز اینست که آنان برخلاف بازرگان و همفکران وی نخواسته‌اند در برابر سران رژیم سر تسلیم فرود آورند و سیاستهای ضد مردمی آنان شریک شوند.

پس آقای بازرگان بهتر است حساب آن عده عقلی که هنوز چشم امید ی به رژیم دارند را از حساب بقیه مردم مستمید ه ایران و ایرانیان آواره جدا نماید. زیرا آزاد یخواهان ایران هیچگونه توهمی نسبت به ما هیست ضد مردمی رژیم اسلامی ند آرند. در این میان خیانتها، عوامفریبیها و تلاشهای مذبحانها بازرگان و همراهانش را به جایی نخواهد برد و مردم ایران هرگز آنان را نخواهند بخشید. □

## شعر و ادب

دلانزد کسی بنشین که او ز دل خیر دارد  
 در این بازار عطاران مروهر سوچوین کاران  
 ترا زوگرنداری پس ترا، زوره زند هر کس  
 ترا برد نشانند او بطراری که می آید  
 بهرد یگی که میجوشد میا و کاسه و منشین  
 بزیر آن درختی روکه او گلهای تر دارد  
 بدکان کسی بنشین که در دکان شکر دارد  
 یکی قلبی بیاراید، تهننداری که زر دارد  
 تو منشین منتظر برود، که آن خانه و در دارد  
 که هر د یگی که میجوشد درون چیزی دگر دارد  
 "مولوی"

### در عشق

هر که سود ای تو در چشم از سود و زیانش  
 هر که از بار تحمل نکند، یار مگوش  
 به جفایی و قفایی نبود عاشق صادق  
 گفتم زور طمعشقت به صبوری به در آیم  
 عهد ما با تونه عهدی است که تغییر پذیرد  
 نگران تو چه اندیشه ز بیم دگرانش  
 هر که در عشق ملامت نکشد، مرد خوانش  
 مژه بر هم نزنند گریزنی تیرو سنا نش  
 بازی بینم و دریا نه پدید است کرانش  
 بوستانی است که هرگز نزنند باد خزانش  
 "سعدی"



### دانش حقیقی

مرد می هستند که دست به کاری میزنند بی آنکه بداند  
 چرا چنین میکنند. ولی من چون آنان نیستم. من بسیار  
 گوش میکنم و سپس بهترین را برمیگزینم و آن را در نیسال  
 میکنم. من بسیاری بینم و سپس آنرا می آموزم و به یاد  
 می سپارم. این به دانش حقیقی نزد یکتا میشود.  
 "کنفوسیوس"

### آزادی

اگر چشمها پیرا ببندند  
 و در قفس رها کنیم  
 با قفس بسوی توهر خواهم کشید

اگرها پیرا به زنجیر کشند  
 با خون زمین راج خواهد زد  
 و را ترا خواهم یافت.

اگر دستها پیرا ببرند  
 با هم بتوان  
 ترا فریاد خواهد کرد

اگر زبانها قطع کنند  
 حرفهای نا ترا  
 نفس خواهد کشید.

اگر نفسها حبس کنند  
 ترا با نگاه خواهند نوشت.

اگر چون بیخ منجمد میکنند  
 تصویر مجسمت و خواهم شد

اگر قطره قطره آب شوم  
 از من توجاری خواهی شد

و اگر مراد رخا بکارند  
 از من گیاه خواهد رشید  
 به شکل تو  
 آزادی

به نقل از آه آینه شماره ۲

## نگاهی بر:

## مطبوعات و اعلامیه‌های خارج از کشور

"نجات ایران در نابودی  
جمهوری اسلامی است"

نشریه "راه آینده" ارگان "سازمان راه آینده" در شماره ۴ (بتاریخ مهرماه ۱۳۶۴) با مطرح نمودن شعار "نجات ایران در نابودی جمهوری اسلامی است" بدین مقاله ای تحت عنوان "سیاست خارجی جمهوری اسلامی" با واقع بینی و صراحت بد کربری از حقایق میبرد از "نشریه راه آینده" میگوید: "سیاست خارجی جمهوری اسلامی بر اصل "نه شرقی، نه غربی" محدود نمیشود. اصل "صد و انقلاب اسلامی" بر سر اسرجها و فعلا به کشورهای مسلمان، یکی از اجزای متشکله مهم سیاست خارجی او است. خمینی اجرای این اصل را از همان فرد ایس از انقلاب از عراق آغاز کرد. او تصور میکرد عراق ضعیفترین حلقه برای صد و "انقلاب اسلامی" است و میتوان بسرعت کار حکومت بعثی را پایان داد و یک حکومت اسلامی شیعه از نوع آنچه که در ایران استقرار یافته در عراق برپا کرد. بر همین اساس تحریک و توطئه پنهان و آشکار علیه دولت عراق آغاز گردید که منجر به تجاوز علفی عراق به ایران شد و در نتیجه آتش جنگی برافروخته شد که هنوز باید تا پیروزی نهائی خمینی - پیروزی که هرگز نخواهد آمد - ادامه یابد. در اینکه شروع جنگ از جانب عراق صورت گرفت تردیدی نیست. اما شروع جنگ آنگونه که گروهی متعصبین ملی و سلطنت طلبان در آتش مدعی اند نمیتواند ملاک قضاوت قرار گیرد. مسئله اساسی اینست که

متجاوز کیست، چه مسامحه و زان دولت نیست که جنگ را آغاز میکند. دولت عراق بارها این مسئله را که در جنگ ایران و عراق متجاوز کیست بر عهد هیئت کمیسیون بین المللی گذارد است اما ایران به بهانه های بیچ و بی معنی همیشه از قبول آن شانه خالی کرده است.

نشریه راه آینده سپس بدستی ادامه میدهد: "در نوشته های مطبوعات گاهی دشمنی با عراق تا جایی پیش میرود که مخالفان سرسخت جمهوری اسلامی هوادار شکست عراق میشوند. اینها که در کینه و عدوت خود نمی بینند که با پیروزی خمینی بر عراق چه فاجعه ای در ایران روی خواهد داد و چه وضع فلاکتباری برای منطقه خاور میانه بوجود خواهد آمد. اینها "میهن پرستانی" هستند که در واقع میهن خود را قربانی دشمنی با عراق میکنند. میهن پرست واقعی کسی نیست که در کنار جمهوری اسلامی علیه عراق است، کسی است که شکست و نابودی جمهوری اسلامی را می طلبد. نجات ایران در نابودی جمهوری اسلامی است...."

## "زمان نو" و نامه آقای جمالزاده

در آخرین شماره مجله "زمان نو" به تاریخ مرداد ۶۴، نامه ای از آقای محمد علی جمالزاده نویسنده هارجمند و مترجم برجسته است. این نامه حاوی نکات درخور توجهی راجع به مجله "زمان نو" میباشد که در آن نویسنده با صداقت و صراحت، نظریات و انتقادات خویش را عنوان کرده

است. مطالب این نامه واقع بینانه و در عین حال در سوزان نگاه شده و مقصد اقی اینکه میگویند: "آنچه که از دل برآید بردل نشیند" در رساله های از موارد حق مطلب بد رستی ارا گشته است.

ایشان در رابطه با "مقالات در ورود راز" با موضوعهای پیچیده که با زبان و قلمی هضم نانشدن "نگاشته میشود، چنین بیان میکنند: "من که جمالزاده هستم، خدا شاهد است گاهی این نوع مقالات را دل نمیخواهد با وقت بخوانم تا چیزی به دست بیآورم و بلکه به کار بیند از مملکتی دستگیر نشد است و..."

و در قسمتی دیگر ادامه میدهند: "دوست عزیز... ما موظف هستیم که وجدانهایمان را در او قرار بدیم و فقط برای اینکه اسممان در یک مجله در پای یک مقاله چاپ برسد در میان گروهی شان و اعتباری پیدا کنیم چیز ننویسیم و حرفی ننویسیم و همانطور که اگر طفلی شیرخوار از گرسنگی گریه کند به او شیر بدهد رسانید به هموطنان بی سواد و نیازمند وی کتاب و بی وسیله باید به زبان کود کان کم مسائل و مطالب را که برای زندگی شخصی ملی آنها کمال ضرورت را دارد. (و بدون آن ممکن بنظر نیاید که متوجه فقر و بیچارگی روزگار عجیب خود بشوند.) (به آنها بفهمانیم و این همه در صحبت و نوشته خود (چنانکه در این دوره اخیر خیلی مرسوم شد است) از "آلترناتیو" و "از تنز" و "آنتی تنز" و انواع و اقسام سوسیالیسم و کمونیسم... صدها طریقه‌هایی که برای ما حکمانگوار بر شاخه

نگاهی بر مطبوعات و اعلامیه‌های...

خیلی بلند دارد. . . . جمله‌های مفصل و مطول نیا فرینیم.

آقای جمالزاد همیافزایند :  
 "مقالات "زمان نو" عموماً در ورود راز و صعب‌المضمون برای ما ایرانیان زیاد است و زیاد هم‌بوی ترجمه‌میدهد و از اینها گذشته خط هم‌ناخوانا و ریزاست و خواننده‌ها را به میهمانی دعوت نمیکند و خسته‌کننده است." در ستان محترم مجله "زمان نو" نگاشته‌شده و موردی خاص رایج آورده‌شود ولی مسلمان این امر در طیف وسیع‌تری عمومیت پیدا میکند و مخاطبین آنرا میتوان بسیاری از روشنفکران، نویسندگان و مترجمینی دانست که فعالیتهاشان بر همین سبک و روال است و کم‌تر به واقعیات، مسائل و مشکلات عمدتاً معاصر ایران میپردازند. علی‌رغم اینکه کمی شماری چنین شیوه‌هایی، سالهاست به اثبات رسیده، ولی متأسفانه هنوز رایج است. در واقع مطالب این نامه میتواند برای همه ما آموزنده باشد. با این امید که عملاً بتوانیم آنرا بکار ببندیم.

**قتل عام فلسطینیها و موضع صحیح چریکهای فدائی (اقلیت)**

نشریه "جهان" ارگان " دانشجویان هوادار سازمان چریکهای فدایی در خارج از کشور" در شماره ۳۲ خود مقاله‌ای پیرامون "قتل عام مجدد فلسطینی‌ها در لبنان" درج نمود است. در قسمت‌هایی از مقاله، مزبور با اتخاذ موضع‌گیریهای صحیح، قتل عام مبارزین فلسطینی محکوم شده است. در رابطه با مقاله ضمن اشاره جنایات امل در حمله به ارد و گاه‌هم‌ای نیروهای فلسطینی و کشتار و قتل عام آنان آمده است :  
 " سازمان امل مدتهاست که در راستای

سیاستهای دولت حافظ اسد و چون ستون پنجم این دولت در لبنان عمل میکند، تصمیم حمله به ارد و گاه‌هم‌ای پناهندگان فلسطینی و خلع سلاح آنان بدون شک با مشورت و موافقت قبلی دولت سوریه انجام گرفته است. . . . بدون شک دولت حافظ اسد نقش مهمی را برای خود در پی‌نشسته سیاسی آیند لبنان میبیند. سرکسوب نیروهای فلسطینی مستقر در ارد و گاه‌هم‌ای صبرا و شتیلا در بیروت نیز در راستای طرح‌های اسد برای لبنان صورت پذیرفته بخصوص که این ارد و گاه‌هم‌ا از پایگاه‌های مستحکم حامی عرفات، رهبر سازمان آزاد بیخش فلسطین، محسوب میشوند. با در نظر گرفتن تضاد شدید موجود بین عرفات و حافظ اسد بالاتر دید یکی از اهداف فم‌ای عمدتاً کشتار پناهندگان فلسطینی تضعیف موقعیت سازمان آزاد بیخش فلسطین در صحنه سیاسی لبنان و تصویر آیند ه این کشور میباشد. . . . همچنین در قسمت دیگر از مقاله در رابطه با مواضع جرج حبش چنین نقل شده است :  
 " جرج حبش رهبر "جبهه خلق برای آزادی فلسطین" نیز طی در مصاحبه مطبوعاتی جداگانه در رکویت و الجزیره نقش سوریه را در قبایل اتفاقات اخیر در بیروت مدید مورد انتقاد قرار داد. حبش اظهار داشت با وجود اینکه وی نمیخواهد روابط حسنه‌ای که بین "جبهه خلق برای آزادی فلسطین" و سوریه وجود دارد را به مخاطره بیندازد ولی خیلی متأسف است که باید بگوید امل بدون دریافت چراغ سبز از سوریه دست به چنین عملیاتی نمیزند. . . .  
 در ضمن در خاتمه مقاله مزبور در نقش فدائی و رژیم جمهوری اسلامی در رابطه با قتل عام فلسطینی‌ها، چنین آمده است :  
 ". . . فدائی پیشنهاد کرد که اهالی ارد و گاه‌هم‌ای بیروت به ارد و گاه‌هم‌ای بیروت به ارد و گاه‌هم‌ای منتقل شوند که البته چنین راه‌حلی ایدئال

نیروهای امل و سوریه است. رژیم جمهوری اسلامی که روابط حسنه‌ای با ارتجاعیون امل دارد و هر ساله میلیونها دلار از دسترنج کارگران و زحمتکشان ایران را تحت عنوان "صدور انقلاب اسلامی" پیشکش آنان میکند، با صدور اعلامیه میهم‌بوی محتوایی از جانب وزارت امور خارجه، تنه‌اعنوان داشت که برخورد بین مسلمانان جایز نیست و طرفین را به صلح دعوت کرد. "

**استمداد برای آزادی زندانیان سیاسی در ایران**

در فتره‌ها هنگی جامعه‌های دفاع از حقوق بشر، در اعلامیه‌ای تحت عنوان "استمداد برای آزادی زندانیان سیاسی در ایران" بر اساس مشاهدات برخی از زندانیان سابق، شرایط زندانبانها و موقعیت زندانیان سیاسی را مورد بررسی قرار داده است. در قسمت‌هایی از اعلامیه آمده است :  
 " هزاران زن و مرد ایرانی سالهاست که در زندانهای رژیم جمهوری اسلامی بسر میبرند. . . . ارقام انتشار یافته از سوی مجامع بین‌المللی حقوق بشر، نظیر سازمان عفو بین‌المللی و سازمانهای سیاسی مخالف رژیم متذات است و حتی به رقم وحشت‌انگیز صد هزار نفر بالغ میشود. ولی آنچه مورد توجه ماست کیفیت است نه کمیت. چه هزاران انسان و چه صد هزار انسان . . . بر ماست که فریاد در گلو خفته شد آنان را به گوش جهان نیا برسانیم . . . رژیم اسلامی را چه باک که حقوق انسانی هزاران زندانی سیاسی را، که کفالیاد ر شمار زندانیان عقیدتی هستند، . . . زیر پا بگذارد. . .  
 و در پایان اعلامیه اضافه میکند :  
 " . . . ما از تمام مردم آزاد جهان، از دبیرکل سازمان ملل متحد، از کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد و . . . می‌خواهیم که بیاری این ساکنان در یار فراموشی بشتابند. . . .  
 بقیه در صفحه ۳

# ما و خوانندگان

## نامه یکی از هواداران سابق پیکار

دستان محترم آزادی ایران :

باد رود و آرزوی موفقیت برایتان، چندی پیش مقاله "حزب تود هوشمار سرنگونی رژیم" را در شماره ۸ نشریه آزادی ایران مطالعه نمودم. صرف نظر از برخی انتقادات نسبت به مقاله مزبور کلا نویسنده محترم، واقعیات را بنحوی صحیح ارزیابی نموده است. من که یکی از هواداران سابق پیکار بودم، یکی از علل مهم شکست جنبش چپ و بهمن بست آن در ایران را با توجه به تجربیات ملموس گذشته، تاثیر نفوذ خط مشی رویونیستی حزب تود ه و گروهها و سازمانهای مختلف میدانم. تفکر تود ه ایسم بنحوی ارزیابی را کمتر قریب به اتفاق گروهها و سازمانها تاثیر داشته است و در چهل سال گذشته ضربات بیشماری بر پیکر جنبش کمونیستی ایران وارد آورد. راستی است، در واقع یکی از علل اساسی متلاشی شدن سازمان پیکار نیز همین مسئله میباشد. اما متاسفانه بسیاری از گروههای چپ در چند سال اخیر از برداختن به این مسئله، به طور جدی سر باز زد و طغیانه رفتند. برخی از آنان انحراف حاکم بر جنبش کمونیستی را اپورتونیزم، برخی فرمیسم، برخی لیبرالیسم، برخی پوپولیسم و... قلمداد کردند و عملاً خط مشی رویونیسم خروشچفی به عنوان انحراف اصلی در جنبش کمونیستی ایران را نادیده انگاشته و هرگز بر خورد اصولی نسبت به خط مشی رویونیسم خروشچفی ابراز نمودند. همچنین "چپ" ما با عدم تحلیل مشخص از شرایط مشخص یعنی نقض یکی از اصول اساسی مارکسیسم و با

الگوبرداری نتوانست بر مبنای واقعیات موجود جامعه ایران، تحلیل صحیحی ارائه دهد. در نتیجه بسیاری از تزهها و تفویضها این در عمل اشتباه از آب درآمد و به شکست انجامید. در این میان من و جوانانی امثال من که در واقع در همان رابامنتی شعار خون کرد مبودیم، با شکست قیام و ضرباتی که چپ با آن مواجه گردید، به سردرگمی، یاس، پراکندگی، پاسیفیسم و... کشانده شدیم. اما ضرب المثل معروفی است که میگوید "شکست مادر پیروزی است". حال برای اینکه بتوان از این شکست درس گرفت باید با واقع بینی به جمع بندی از تجربیات گذشته پرداخت و به نقد اصولی و ریشه ای دست زد. برای مثال در رابطه با تفکر تود ه ایسم مرز بندی روشن نمود. و گرنه صرفاً در حرف به حزب تود ه حمله کردن اما در عمل خط وسط آن را پایاد کردن در دریا و نمیکند. باید در لایل توهم "چپ" نسبت به رژیم سرمایه و حمایتش از مواضع "ضد امپریالیستی" رژیم را مورد بررسی و انتقاد قرار داد.

اما در مورد مواضع نشریه "آزادی ایران" باید بگویم بنظر من شما در چندین مورد مشخص بروشنی واقعیات ایران را بیان نموده و مورد بررسی قرار دادهاید. واقعیاتی که در شرایط فعلی بسیاری از گروهها و سازمانها قادر به دیدن آن نیستند. از جمله نظرات صریح شما در رابطه با دشمن اصلی خلق ایران و جناحهای هیئت حاکمه و... که چنین موضع گیریهایی مایه لگرمسی میباشد. اما در عین حال من معتقدم صرفاً بیان این مسائل و واقعیات که دشمن اصلی رژیم خمینی است و... نمیتواند کافی باشد. آیا شما به تحلیل مشخص نیز در این

زمینه ها پرداخته اید؟ برای مثال برای اینکه بتوان دشمنان و دوستان واقعی را در جنبه انقلاب و ضد انقلاب باز شناخت میبایست وضعیت اقتصادی طبقات مختلف جامعه را مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار داد. در غیر این صورت امکان آنکه در تشخیص دشمنان و دوستان مرتکب خطا شویم، بسیار است. شما که مسئله دشمن اصلی را مطرح نمودهاید، آیا در زمینه فوق نیز تحقیقاتی را انجام دادها و به نتایجی رسیدهاید؟ من فکر میکنم باید علاوه بر گفتن واقعیات پسار فراتر گذاشت و به نتیجه گیری و تحلیل از همان واقعیات پرداخت. زیرا گروهها، نیروها و سازمانهای مختلف، با دیدن واقعیات بنا بر منافع خود اقدام میکنند به تحلیلها و نتایج متفاوتی یا زنده و با این نتیجه گیریهاست که سیاستشان را نسبت به رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی و نیروهای مختلف اپوزیسیون معین میکنند. امیدوارم نظر خود را در این مورد توضیح دهید.

ارادتمند شما

احمد - پاریس ۱۳۰ اوت ۸۵

## و پاسخ ما

دوست گرامی و عزیز آقای احمد :

پس از تشکر از محبتهای شما، ما کاملاً با شما هم عقیده هستیم که یکی از علل اساسی شکست مبارزات در مکزیک و آزاد یخواهانه مردم ایران تاثیر ایدئولوژیک سرپا اشتباه آمیز ۴ ساله رهبران حزب تود ه ایران بقیه در صفحه مقابل

## ما و خوانندگان

میباشد. همانگونه که شما اشاره کرد هاید، با توجه به تجربیات گذشته تاثیر و نفوذ ایدئولوژیک - تشکیلاتی و همچنین سبک کسار و روش انحرافی و ضد مکرراتیک و ضد ملی رهبران وابسته حزب تود ه ایران یکی از عوامل اساسی شکست جنبش چپ و جنبش سراسری د مکرراتیک ملی ایران محسوب میگردد. ما نیز مانند شما یکی از علل تلاشی سازمانهای چون پیکار، رزمندگان و... را در مرفوق میدانیم.

ما با شما توافق کامل داریم که: اصلی ترین و مهم ترین وظیفه کنونی کلبه نیروها و افراد مترقی و چپ غیر وابسته و مستقل و همچنین سایر آزاد خواهان ایران اینست که: با قاطعیت به بررسی و انتقاد د اطلبانه و مشخص از روابط و موضع گیریهای غلط گذشته بپردازند. ما در مقالات گوناگون شماره های گذشته "آزادی ایران" تاکید کرد ه ایم که بدون برخورد صادقانه و شرافتمندانه نسبت به واقعیتها و روابط د رونی و بیرونی گذشته ما نمیتوانیم امروز بتوانیم در مسیر صحیح و مکرراتیک گام نهاد.

شما بد رستی اشاره کرد هاید که "شکست ما در پیروزی است". باید تعصبات گروهی و شخصی را بد و رافکند و با "واقع بینی به جمع بندی از تجربیات (تلخ) گذشته بپردازد و به نقد اصولی و ریشه ای دست زد. د ر باره مطالبی که در مورد "آزادی ایران" مرقوم داشته اید باید تاکید کنیم: بررسی و تجزیه و تحلیل روابط طبقاتی د ر جامعه ایران کار ساده ای نیست. نمیتوان بسادگی مانند برخی از سازمانها، گروهها و اشخاصی که صد ها بار با الگوبرداری و تقلید از آثار کلاسیک مارکسیستی به "تجزیه و تحلیل" وضع طبقاتی د ر ایران پرداخته اند، ولسی نتوانسته اند کوچکترین قدم عملی د ر راه حل مشکلات بیشمار جامعه ایران بردارند، به

"تحلیل مشخص از شرایط مشخص پرداخته اما ما و برخی د یگرا زد و ستان و رفقا مصمم هستیم جد از د کم گرائی ها، کلی گویی ها و تقلید های بسیار متداول د ر اولین قدم کوشش کنیم و واقعیتهای ایران را آنطور که هست ببینیم و بشکافیم تا بر اساس آنها حقایق را دریابیم. د ر آن هنگام اگر راستی توانستیم د ر این اولین قدم موفق گردسیم، میتوانیم به تجزیه و تحلیل شرایط جامعه بپردازیم. ما نمیخواهیم وعده های زیبا و مقالات بلند و بالا، متناقض و بی محتوی را ارائه دهیم. ما هنوز د ر ابتدای راه هستیم و مانند بسیاری د داعیه تنها "آلترناتیو" یا تنها سازمان مترقی و پیشرو بودن را نداریم. اما مصممیم تا بتوانیم د راه آزادی ایران قدم به قدم و آرام آرام پیش برویم.

د وست عزیز احمد:

شما توجه دارید که باید برخلاف سنتهای پیشین نیم قرن گذشته و برخلاف آنچه که امروز چپ ما بعلمت د نیال هروی از حزب توده بدان میتلاست، د ر راهنا شناخته و نیاموده و کاملاً جدیدی گام نهاد. راهی که احتیاج به یک دنیا صداقت، جسارت، از خود گذشتگی عشق، آزادی و آزادی اندیشی دارد. بیایید د ر این راه امیر افتخار و بزرگ برای خدمت به آرمانهای د مکرراتیک و آزاد خواهانه مردم ایران همقدم و همراه گردیم.

د ر ضمن بنا بر درخواست شما شماره های ۱ الی ۵ آزادی ایران نیز برایتان ارسال گردید.

موفق باشید

سردبیر محترم:

جهانی قدم بر میدارد. بر طبق همین موضوع است که رژیم خمینی از نیروهای ارتجاعی اسلامی به اصطلاح مجاهدین افغان د فاع میکند. و در جهت حفظ منافع امپریالیسم آمریکا اقدام میکند. همچنین رژیم اسلامی کینه توزانه بر علیه کمونیسم و کشورهای سوسیالیستی سیاست ضد شوروی را اعمال کرده و بزرگترین خدمت را به امپریالیسم آمریکا انجام میدهد.

د ر رابطه با جنگ ایران و عراق نیز امپریالیسم آمریکا با تحریک ایران و سپس عراق هر دو رژیم سرمایه داری را واداشت تا جنگ را برپا کنند. جنگ توانسته است به نفوذ ناوگانهای ضربتی دریایی کشتیهای هواپیما بر آمریکا د ر هانه خلیج فارس بیفزاید. امپریالیسم آمریکا با تشویق د و کشور به جنگ به فروش سلاحهای نظامی خود پرداخته و بار شد اقتصاد و تخفیف بیکاری د ر آمریکا موجب کاهش بحران اقتصاد د ر آن کشور گردید.

بقیه د ر صفحه ۱۹

بنظر من نشریه شما با انتخاب شعار "سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی دشمن اصلی مردم ایران" د ر دام امپریالیسم آمریکا افتاد ه است. مگر شما نمی گوئید که رژیم اسلامی خمینی وابسته است و سلما نظر تان اینست که وابسته به امپریالیسم جهانی است. پس میبایست هدف خود را د ر مبارزه با امپریالیسم جهانی معطوف کنید. جمهوری اسلامی برای تثبیت موقعیت امپریالیسم جهانی روی کار آمده و هدفش ثبات بورژوازی د ر ایران و منطقه است. رژیم جمهوری اسلامی د قیقا نقش شاه را بعنوان ژاندارم منطقه بمعده گرفته و تنها و تنها د ر جهت منافع امپریالیسم جهانی بسر کردگی امپریالیسم آمریکا تلاش میکند. ظاهر - سازیهای جمهوری اسلامی د ر مبارزه با امپریالیسم جهانی به کلی د روغ است و د ر خفا برای تثبیت موقعیت سرمایه داری

بقیه از صفحه ۱

چاقو کشی حزب توده و اکثریت

در جشن اومانیته

در برابر دید همگان آشکار گشت. در ساعت ۷ بعد از ظهر هنگامیکه یکی از هواداران سابق چریکهای فدائی، در محوطه غرفه حزب توده مهافشاگری پیرامون خیانتهای آنان پر اخته و خشم و انزجار خویش را نسبت به حزب توده و اکثریت به علت همکاری مستقیمشان با رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی در شناسائی، لو دادن، دستگیری، سرکوب شکجه و اعدا اسپاری از نیروهای مرفقی و آزاد یخواه ابراز مینمود، درین درگیری با ماشا الله فتاح زاده - مسؤل دوم اکثریت - ناگهان بوسیله تعداد زیادی از اوماشان توده ای - اکثریتی با چاقو و بطری مسورد تنها جمع قرار گرفت و شدت مضروب گشت. درین این عمل هواداران چریکهای فدائی خلق (اقلیت) فوراً به کمک وی شتافته و او را به بیمارستان منتقل کردند. البته مبارک گیر چنین شیوه های ضد مکرانیک از سسوی حزب توده و اکثریت تازگی ندارند. آنان حتی در محیط مکرانیک خارج از کشور نیز به اتخاذ روشهای ضد مکرانیک متوسل میگرددند. بطوریکه اخیراً در کشور آلمان در سیر رفت و آمد و متن از هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق (اقلیت) کمین کرده و آنان را بشدت مضروب ساختند. (به نقل از ویژه نامه خبری هواداران چریکهای فدائی شماره ۲۶، به تاریخ ۲۶ سپتامبر ۱۹۸۰) و همچنین چند یبیش در کشور انمارک با چاقو، کارد و زنجیر به منزل مسکونی یکی از هواداران اقلیت حمله نمود و با شکستن شیشه های درب ورودی به ضرب و جرح افراد خانواده مزبور پرداختند.

البته ما در اینجا از بیان و ساد آوری نمونه های بیشمار همکاری مستقیم حزب توده و اکثریت با مزدوران و جفاقداران حزب الهی در خارج از کشور - در زمانی نه چندان دور -

بقیه از صفحه ۳

نگاهی بر مطبوعات و اعلامیه های

خارج از کشور

میلینا ریزه کردن منطقه مسود میبرند.

در ادامه مطلب نویسنده با در نظر گرفتن امکانات مختلف و مقایسه آنها در قسمتی مینویسد: "۰۰۰ پیروزی رژیم خمینی پیروزی مردم ایران نیست، ۰۰۰ پیروزی رژیم خمینی پایان جنگ نیست، آغاز جنگی وسیعتر و همه جانبه تر است. تمام منطقه در تسب ناآرامی و قتل و جنایت و فارتگری و سرکوب ملایان خواهد سوخت. آتشی که اینسان بری افروزند، مرحله به مرحله کشورهای و جوامع دیگر را در خطر خواهد انداخت...".

و در جای دیگر آرزوی پایان یافتن هر چه زودتر جنگ و دستیابی به صلح از آن بعنوان عاملی که به سرنگونی رژیم منتهی میشود و سرنگونی رژیم خمینی زمینه سازد مکراسسی میتواند باشد، سخن میگوید و بد رستی تصریح مینماید: "برای دفاع از انسانیت، برای دفاع از فرهنگ و آزادی باید طرفدار صلح و فقط طرفدار صلح بود. کسانیکه با عنوان عوامفریبانه میهن پرستی از برتریت مرد مخود طرفداری میکنند، در واقع میهن پرست نیستند، مدافع جنگ و سرکوب اند

و آب به آسیاب رژیم ضد انسانی خمینی

و دلالان بین المللی میریزند.

نتیجه سه ماهه جنگ پیشمرگان کرد

بر اساس نشریه خبری حزب د مکررات کردستان ایران (تشکیلات ارویسا) شماره ۱۲۷ حزب د مکررات کردستان در جنگهای سه ماهه اول ۱۳۶۴ با دشمن ضربات سختی را بر رژیم جمهوری اسلامی وارد کرده است. بر طبق آمار ارائه شده در این مبارزات تلفات دشمن ۹۱ تن کشته و ۶۶ تن زخمی قید شده است. در این درگیریها پیشمرگان حزب د مکررات توانسته اند غنائم بسیاری را تصاحب کنند. با کمال تاسف در جریان نبردهای سه ماهه ۹۰ پیشمرگه جان عزیز خود را در راه آزادی ایران فدا کرد و ۳۲ تن بی دفاع کشته و ۳۲ تن دیگر بی دفاع زخمی شدند. همچنین حزب د مکررات کردستان ۳۶ تن از زندانیان را آزاد نمود. در این مدت ۷۰ تن از فریب خوردگان رژیم با سلاحها و مهمات خود بسوی مردم کردستان آمدند. □

استفاد میکنند. آنان از طریق تهدید، تطمیع، ضرب و جرح، رخنه و ارائه خطوط انحرافی در مبارزات مکرانیک کنونی میخواهند از هر اقدام صحیح و اصولی بر علیه رژیم جمهوری اسلامی بعنوان دشمن اصلی مردم ایران جلوگیری کنند. آنان پس از همکاری وسیع با رژیم جمهوری اسلامی در ایجاد محیط خفقان، مترصدند در محیط خارج از کشور نیز با تکرار سیستماتیک اعمال ضد مکرانیک خویش از جمله چاقو کشی و حمله به نیروهای مبارز، در این محیط نیز جورعب و وحشت را بوجود آورند.

بقیه در صفحه ۱۹

درتها جمعه نیروهای مبارز و آزاد یخسواه صرف نظر میکنیم.

با در نظر گرفتن چند نمونه خیر از اعمال حزب توده و با توجه به تجارب تلخ گذشته که بهیهای از دست رفتن بسیاری از انقلابیون و آزاد یخواهان بدست آمد هاست و نقش مخرب رهبران حزب توده در استقرار رژیم جمهوری اسلامی و شرکت فعال آنان در سرکوب، شکجه و اعدا اسپاری از مبارزین راه آزادی، ضروریست هوشیاری خود را در مقابل توطئه های دشمنان رنگارنگ حفظ نمائیم. حزب توده و اکثریت از هر حربه ای برای اجرای سیاستهای تفرقه جوینانه



## فصلی در گلسرخ و سخنان اسکندری

چندی پیش در ری در گذشت ایسرج اسکندری یکی از بنیانگذاران حزب توده، در مجلس یادبودی که برای وی در پاریس ترتیب داده شد بود، آقای بابک امیر خسروی (یکی از اعضای کادر مرکزی حزب توده) طی سخنانی، سوگند یاد نمود بنابر وصیت اسکندری خاطرات وی را که به صورت ضبط شده در نوار بجا ماند هاست، به رشته تحریر درآورد تا همراه مابریخی از مقالاتش چاپ و در دسترس همگان قرار گیرد. پس از چند یبه نبال این امر عضویت بابک خسروی و آتن در یگسر از گردانندگان مجلس یادبود اسکندری، در حزب توده به تعلیق افتاد. در اطلاعیه‌ای که در این زمینه صادر گردید، آمده است: "... خسرو امیر خسروی (بابک)، فریدون آذر نور و فرهاد فرجاد آزاد به علت عمل غیرتشکیلاتی و تخلف صریح از وظایف سازمانی اعضای حزب توده ایران... از عضویت اصلی و مشاور کمیته مرکزی تا تصمیم نهائی پلنوم کمیته مرکزی معلق اعلام شدند." (نامه مردم شماره ۶۱، ۱۰ مرداد ۶۴)

اما از طرف دیگر نشریه "فصلی در گلسرخ" که به سردبیری خانم طغچه گرگین منتشر میشود در شماره جدید خود به تاریخ تابستان ۶۴ به تنظیم و چاپ یکی از نوارهای سخنان ایسرج اسکندری پرداخته است. سخنان مزبور در تاریخ ۷ (آبان ۶۳) در ریاسخ به سوال یکی از دوستان وی درباره علل ضعف رهبران حزب توده پس از دستگیری بیان شده است.

کوشش خانم طغچه گرگین در تنظیم و انتشار نوار سخنان اسکندری را جبهه به علل ضعف رهبران حزب توده... بیان واقعیات در باره برخی از رهبران آن حزب ارزشمند میباشد. امید داریم در جهت

آگاه هر چه بیشتر مردم از حقایق مربوطه نظرات دیگر ایسرج اسکندری نیز - که برخی کوشش فراوان میدول میدارند تا آنرا پنهان کنند - چاپ و در دسترس مردم قرار گیرد.

در ذیل برخی از نکات مهم سخنان ایسرج اسکندری که در نشریه "فصلی در گلسرخ" تحت عنوان "اروی اعتراف" درج شده است را، ملاحظه میفرمائید:

"... من بطور کلی علت عمدتاً این جریان (علل ضعف رهبران حزب توده پس از دستگیری) را در بی ایمانی میبینم. هر کس طبری یا کیانوری را از نزدیک شناخته باشد میدانند که اینها اصلاً به کمونیسم عقیدت ندارند... من همیشه و یکسرات گفته‌ام که این آدم (کیانوری) علمبر غارت و پورت ظاهری بسیار ترسو است... من آدمی به دروغگوئی او ندیده‌ام. آخر اینها همه‌اش علامت بی ایمانی است. این آدم جلوی روی شما، در جلسه‌مطلبی را میگوید و در قیقه‌معد که استدلالمیکنی تا میبینند که ممکن است در برابر استدلال مجاب شود میگوید من چنین حرفی نزد م و جلوی همه تکذیب میکند. او همیشه میگفت من سند نمیدهم برای اینکه بتواند حرفش را تکذیب کند. از چنین آدمی، کمونیست که سهل است، هیچ عقیدت سیاسی بجز اپورتونیست در نمیآید. لذا برای او این مسئله که از خمینی تبعیت بکند، نوکری بکند، هر چه بگویند قبول بکند برای او یک مطلب بسیار عادی بود. او دچار این اشتباه و ایللوژیون بود که اگر این تملق‌ها را گفت خمینی او را به مقامات دولتی میرساند..."

ایشان در قسمت دیگر از سخنان خود در مورد کیانوری چنین میگوید:

"... هر وقت کمیت استدلالمش تنگ میشد فوراً میگفت آقا، روزنا مهراود اریبا ورید. بطوریکه من یکبار در رهیت اجرائیه گفتم رفقا اگر قرار است روزنا مهراود اریبا ورید ما را معلوم بکنند ما دیگر احتیاجی به هیئت سیاسی و هیئت اجرائیه و هیئت دبیران نداریم. خوب، در سه نفر از رفقا را، که روسی خوب بلدند، ما مورکیم هر روز، روزنا مهراود اریبا ورید جمع کند، بگذارد روی میز همه رفقا، قضیه حل میشود. این چه سیستمی است؟ البته همه میز خندند. گفتم این حرفها چیست؟ مهراود این را نوشته، مهراود آنرا نوشته. اینکها استدلال نمیشود. من به تو میگویم اینطور. اگر غلط میگویم خوب، آنرا رد کن. میخواهم بگویم که این کیانوری یک چنین تیبی است. راجع به او از این بیشتر هم میشود گفت. او آدم محققاً زویشتم اندازی است. ولی البته باید گفت که برای کاری که بر عهد هاش گذاشته بودند، آدم بسیار مستعدی بود، منظورم تشکیلات دادن، اما نه معنای حزبی کلمه است. درست کردن تشکیلات برای توطئه‌گری است. برای توطئه‌کردن، برای دستمزدی برای مقاصد خودش آدم بسیار واریدی است بنابراین چیزی که در کار اکثر این آدم موجود ندارد، و من میتوانم کاملاً در باره آن شهادت بدهم، یک ذره ایمان است."

اسکندری در بخش دیگر از سخنانش در مورد طبری نیز چنین میگوید:

"... اما راجع به طبری. حتی خود کیانوری هم عقیده‌اش این بود که وضعی تریسن آدم است. وقتی ما در زمان رضاشاه گرفتند، طبری جوان هجده ساله‌ای بود. یک کشید که به او زدند از سیرتاپیاز هر چه میدادند هم را گرفتند... این آدم محفوظاً بقیه در صفحه ۲۰

بقیه از صفحه ۲۰

در حاشیه سخنرانی آقای غلام کشاورز

کسانی هستند که اعتقاد خود را به مارکسیسم از دست نداد هاند ولی عملاً کاری انجام نمیدهند. این طیف وسیع بالاخره باید در این سه جریان قرار بگیرد و مسوولی یکی از آنها برود. آقای کشاورز را در امه سخنانشان تاکید کردند "حزب کمونیست از ضعفهای زیادی رنج میبرد و نواقص زیادی دارد" ولی باید تلاش کند تا بتواند این زهریاسیسیسم را خنثی کرد و نیروهای پاسیف را جذب نماید. البته این امر از طرف دیگر گریه کوشش خود آنان نیز بستگی دارد.

پس از سخنرانی آقای کشاورز ریخس پاسخ به سوالات ایشان ابتدا صورت تمام سوالات در ریاضتی را قرائت نمودند و سپس به پاسخگویی برخی از آنان پرداختند.

تعدادی از سوالات مطرح شده از این قبیل بودند: بحران جنبش چپ در سطح بین‌المللی از کی شروع شده است؟ در کجا شما از مارکسیسم چیست؟ چه نیروهائی بر علیه ضد انقلاب حاکم مبارزه میکنند؟ چگونه کومه‌لجان افشاء کردن در مقابل حزب و مکررات به جنگ مسلحانه آن میبرد از، در حالیکه امروز همه باید بر علیه دشمن اصلی یعنی رژیم جمهوری اسلامی مبارزه کنند؟ ... این برنامه نزدیک ساعت ۱ (شب بیابان رسید و آن در حد ۱۰۰ تن شرکت داشتند.

در هنگام آن تراکت و سخن پاسخ به سوالات، چند تن از حاضرین به نحوه برگزاری جلسه و شیوه ارائه سوالات بصورت کتبی اعتراض نمودند و آنرا "غیر مکرراتیک" و "پرووکراتیک" خواندند. و از مجریان برنامه خواستند تا زمانی را برای بیسیان سوالات و نظرات حضار بصورت شفاهی اختصاص دهند و در مقابل ارائه نظرات

خود به سخنان دیگران هم گوش دهند. این خواست از طرف برگزارکنندگان برنامه باز کرد لایل و توضیحاتی از جمله "محدود وقت" و "نداشتن امکانات بیشتر" و ... رد شد. بدنبال این مسئله برخورد های لفظی بالا گرفت و برخی از شرکت کنندگان نظرات موافق و مخالف خود را در این مورد ابراز نمودند. گردانندگان برنامه در مقابل اعتراضات این عد میان کردند: این حق و مکرراتیک ماست که شکل برگزاری جلسه را آنگونه که صلاح میدانیم، انتخاب نمائیم و شما اگر مایل به حضور در چنین جلساتی نیستید، میتوانید جلسه را ترک نمایید. ... ما اجازه نمیدهم افراد با ایجاد تشنج جلسه ما را برهم زنند.

در رابطه با نحوه برگزاری این جلسه و برخورد ها و بحثهایی که مطرح شد، چند نکته قابل ذکر میباشد: بنظر ما مسلماً مجریان برنامه فوق مختار بودند که شکل و نحوه برگزاری جلسه خود را آنگونه که میخواهند، انتخاب نمایند و این حق و مکرراتیک گردانندگان هر برنامه است. بخصوص که برنامه از قبل اعلام شده بود و شرکت کنندگان با آگاهی قبلی در آن حضور بهم رساند هبوندند. در ضمن متقابلاً این حق را برای حاضرین نیز قائل هستیم که به عنوان مثال با محتوای مطالب و برخی از نظرات مطرح شده و یا اداره جلسه بشکلی که تنظیم شده بود، موافق نباشند و حتی پیشنهادات و اعتراضات خود را نیز بیه مسئولین مربوطه ارائه نمایند. آنچه در این رابطه حائز اهمیت میباشد، شیوه برخورد صحیح به مسئله است که باید رعایت شود. ولی آنچه که از دید حاضرین نمیتوانست پنهان بماند - جد از مضمون سوالات و نظرات چند تن از معترضین و درست یان نام درست بودن آنها - نحوه برخورد نام درست ارائه اعتراضات بود. بخصوص یکی از هواداران وحدت کمونیستی با تکرار نظرات

و اعتراضات خود در هنگام پاسخ به سوالات و عکس العمل این برخورد، جو متشنجی را بوجود آورد که موجب اعتراض حاضرین در جلسه گردید. این عمل از جانب عد ۱۵ ی محکوم شد و در پایان جلسه بحثهایی را به همراه داشت. مسلماً طرق و شیوه های صحیح مختلفی برای ارائه نظرات و اعتراضات وجود دارد و در این رابطه طرز برخورد چند تن از معترضین صحیح نبود ه و نمیتوانست مورد تأیید واقع گردد. اما انتقاد ما از گردانندگان جلسه و پیشنهاد در ستانها به آنان در این مورد چیست؟ بنظر ما در تقسیم بندی سوالات و پاسخ بد آنها به برخی از سوالات اساسی جواب مشخص و روشن داده نگردید. و با توجه به موضوع سخنرانی انتظار میرفت که با بررسی معضلات و مشکلات موجود به مبهماتی که در رابطه با بحران در جنبش چپ وجود دارد، پاسخهای مشخصی ارائه گردد. در ضمن در رابطه با نحوه برگزاری جلسه ما پیشنهاد میکنیم: مجریان برنامه با توجه به امکانات موجود و محدودیت زمانی، برنامه ها را بگونه ای زمان بندی و تنظیم نمایند که در صورت تمایل برخی از شرکت کنندگان برای بیان شفاهی سوالات و در مواردی توضیح مختصر نظریاتشان از این امکان برخوردار باشند.

- (مسلماً تنظیم و اجرای چنین شیوه ای با جلسات بحث و مناظره فرق دارد) -

در اینصورت از بروز تکرار برخورد های مشابه کاسته خواهد شد و جلسات روال سازند تری خواهد یافت.

۴ - به روزی

\* آقای محمد ارسنی پس از همکاری با سازمان انقلابی حزب تود هایران و "حزب رنجبران" و مدعی مارکسیست بودن و نوشتن برخی از مقالات در نشریه کنگد راسیون اخیراً به سازمان آقای بختیار پیوسته و قلمو "تفکر" خود را در اختیار آنان قرار داده است.

بقیه از صفحه ۱۴

## ما و خوانندگان

همچنین باد نظر گرفتن اینکه واردات نفت آمریکا از خلیج فارس نسبت به کشورهای اروپایی و ژاپن در سطح بسیار نا زلتی قرار دارد، از این طریق میتواند در رقابت با کشورهای سرمایه داری فوق به تثبیت موقعیت اقتصادی خود بپردازد. از اینرو طولانی نمودن جنگ هدف امپریالیسم آمریکا است. در حالیکه اتحاد جماهیر

شوروی از همان روز اول خواهان صلح و آشتی بود و هر دو کشور را از افتادن در دام امپریالیسم آمریکا بر حذر داشته بود.

در ضمن موقعیت اسرائیل بعنوان یکی از مهره های اصلی آمریکا در منطقه و همیاری و همکاری مخفی با رژیم خمینی یکی دیگر از دلایل اثبات وابستگی رژیم به امپریالیسم امریکا است.

برای تأیید این مسئله نظر شما را به مطلبی که نشریه نیوزویک در ۲۶ ماه اوت ۸۵ نوشته، جلب میکنم. نشریه نیوزویک از قول دیپلماتهای غربی در تهران نوشت: تضعیف نمودن جمهوری اسلامی به نفع آمریکا نیست و آمریکا میبایست به حمایت از نیروهای محافظه کار در ایران رژیم پسر ازاد. بنابراین بنظر من شمار صحیح

واستراتژیک در مرحله کنونی مرگ بر امپریالیسم آمریکا دشمن اصلی خلقهای ایران و جهان است.

دوازدهم شهریور پاریس، احسان

### توضیح:

همانگونه که خوانندگان عزیزملاحظه میکنند نام فوق از آقای احسان حاوی نکاتی است که کاملاً با خط مشی و اصول فکری نشریه آزادی ایران متفاوت، بلکه متضاد است. اما

ما برای احترام به آزادی قلم عین نامها نشان را بدوینسانسورد رج نمودیم. البته ما از آقای احسان خواهش داریم برای روشن شدن و آگاهی پدید کردن از اینکه چرا ما دشمن اصلی رژیم جمهوری اسلامی میدانیم به مطالعه مقالات

دشمن اصلی مردم ایران کیست؟ آزادی ایران شماره ۲ و همچنین در باره برخی از مسایل مربوط به دشمن اصلی مردم ایران شماره های ۱۰۹ و ۱۰۱ رجوع نمایند.

هیئت تحریریه

## نشریات دریافتی

ایران بمناسبت چهلمین سال تاسیس حزب، بولتنهای خبری کردستان ایران شماره های ۱۲۵ الی ۱۳۱ و مجموعه گفتاری از زاد بود صدای کردستان ایران.

۶- شماره ۵ "نامه آزاد یخواهان" نشریه "هماهنگ کننده جمهوریخواهان ملی ایران" ۲ شماره های ۸۵ و ۸۴ نشریه "جبهه" آرگ، ملیون ایران"

۸- بولتن تابستان "دفتر هماهنگی جامعه دانشجویان دفاع از حقوق بشر در ایران" همراه با دعوتنامه ای برای شرکت در جلسه سخنرانی در برلین

۹- شماره ۲۲ "خندق" نشریه دانشجویان ارشد ۱۰- جزوه ای از آقای احمد رناسینی تحت عنوان پاسخ به "پیام آزادی"

در فاصله انتشار و شماره اخیر "آزادی ایران" نشریات، کتب و جزواتی برای ما ارسال گردید. ضمن تشکر از لطف همگسی در استان، در زیل اسامی برخی از آنان را درج می نمائیم:

۱- شماره های ۱۳ و ۱۴ نشریه "راه آینده" ارگان سازمان راه آینده

۲- شماره ۲۷ "رهايي" نشریه سازمان وحدت کمونیستی

۳- شماره ۱۴ "بیرد خلق" ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق (پیر ویرنا مه هیئت)

۴- شماره (۵-۶) کارنامه فرهنگ و هنر ایران ۵- شماره ۱۰۶ "کوردستان" ارگان کمیته مرکزی حزب د مکران کردستان ایران، بیانیه کمیته مرکزی حزب د مکران کردستان

## ایران، در ماهی که گذشت

در ۳۰ شهریور ماه، ایران در حدود ۷۰ موشک زمین به زمین (اس-اس-ام) و حدود ۶۰ موشک زمین به زمین (سام) که ساخت شوروی میباشد، تحویل گرفته است و قرار است در آئینده صد ها موشک زمین به زمین اس-اس-ام را از شوروی دریافت نماید. ایران موشکهای مذکور را به صورت قطعات جداگانه از طریق سوریه و کره شمالی دریافت داشته است.

بقیه از صفحه ۱۶

## چاقو کشی حزب توده و...

تکرار جنین شیوه های فاشیستی از سوی حزب توده، هشدار روزنگ خطری است به تمام نیروهای مترقی و آزاد یخواه. ما امید داریم آزاد یخواهان ایران به افشای هر چه بیشتر روشهای ضد د مکرانیک آنان بپردازند و با اعمال شیوه های صحیح از اجرای توطئه ها و طرحهای آنان جلوگیری کنند تا

بدین ترتیب رخنه، نفوذ و اعمال ضد د مکرانیک کلیه نیروهای سرکوبگر افشا، طرد و خنثی گردد.



### دوستان عزیز!

به این آدرس با ما مکاتبه نمایند:

SAYADI  
B.P. 211  
92220 BAGNEUX  
CEDEX, FRANCE

## در حاشیه سخنرانی آقای غلام کشاورز

در تاریخ ۱۳ سپتامبر ۱۹۸۵ از طرف انجمن هواداران حزب کمونیست ایران (فرانسه) بمناسبت دومین سالگرد تشکیل این حزب برنامه سخنرانی تحت عنوان "حزب کمونیست ایران و بحران در جنبش چپ" و پاسخ به سئوالات ترتیب داد شد. این برنامه در حدود ساعت یکربع به هفت شب آغاز گشت. ابتدا آقای کشاورز با تقسیم بندی مطالب مورد بحث به ذکر توضیحاتی پیرامون واقعیت عینی بحران در جنبش چپ، زمینه ها و علل پیدایش آن در سطح بین المللی و وضعیت کنونی این بحران پرداخته و سخنان خود را با بیان وضعیت بحران در چپ ایران و اوضاع فعلی جنبش کمونیستی ایران ادامه دادند. ایشان نفرقه، پراکندگی و بحران را از ویژگی های موجود در جنبش چپ خواندند و اشاره نمودند که هدف این وجه افتراق و بحران را منتسب به تئوری مارکسیستی میکنند. همانگونه که گذشته نیز روشنفکران خرد مپور ژوا سعی میکردند علل پراکندگی، شکست و بی عطی خود را به بحران در تئوری مارکسیستی منتسب نمایند بحران جدید هم از طرف روشنفکران خرد مپور ژوا همانگونه تعبیر میشود، اما بی پایگی استدلال های این افراد هم کمتر از آنان نیست و سپس در مورد این مسئله که چرا بحران فعلی مدت زمان بیشتری در وام آورد، توضیحاتی دادند. وی در قسمت دیگری از سخنانش تاریخچه چپ ایران را مورد بررسی کوتاهی قرار داد و در رابطه با قیام سال ۷۲ و جریانات پوپولیستی بیان نمودند: پس از سرنگونی رژیم سابق، جمهوری اسلامی بطور کلی مطالبات و اهداف پوپولیستها را پیاد کرد. با ملی کردن

سرمایه ها زیر پای بخش از چپ را خالی نمود و با اشغال سفارت آمریکا بخش بزرگی از چپ پوپولیست (اکثریت فدائیان) را به خود ملحق کرد و در جریان جنگ بخش دیگری از چپ به جمهوری اسلامی پیوست و از آن حمایت کرد. وی در نباله سخنانش گفت: "خیلی ها فکر میکنند که جریانات پوپولیستی با ضربه خوردن از جمهوری اسلامی از پای درآمد ولی ایس حقیقت ندارد. مثال اکثریت پیوستن آنها به رژیم جمهوری اسلامی و دیگر جریانات پوپولیستی ناشی از ناتوانی و ضعف خود این جریانات بود است و قبل از ضربات رژیم خمینی این امر خود را نشان داد بود. چون روشن نبود کجا میروند.

آقای کشاورز سپس به انشعابهای که در جنبش کمونیستی شاهد بود ایم، پرداختند و در مورد بحران در جنبش چپ ایران طی سخنانی نتیجه گیری نمودند که "مارکسیسم جهان پدید آورد و پوپولیسم شکست خورد است. ایشان جریانات سیاسی کنونی را به سه دسته تقسیم کرده و بیان نمودند: در یک طرف حزب کمونیست ایران قرار دارد و در طرف دیگر جریان سلطنت طلبان میباشد. (در اینجا سخنران از محمد ارسلی بعنوان سخننگوی جدید سلطنت طلبان یاد کرد.) و در طرف دیگر از حزب تود و اکثریت و نزدیکی حزب دمکرات، راه کارگرو مجاهدین یا آنان سخن گفت. ایشان ادامه دادند: در مقابل این سه جریان، جریان وسیعی وجود دارد که پاسیف هستند. در این طیف کسانی هستند که به تندی مارکسیسم رسید هاند و عده ای هم به مبارزه حقوق بشر پیوسته اند و

بقیه از صفحه ۱۷

### فصلی در کلسرخ و سخنان اسکندری

بیشتر از معقولات و فهمش است. او هیچ وقت خودش استدلال نمیکند. همیشه میگوید رفیق فلان اینطور گفته است. بد حرف نمیزند، خوب هم مینویسد. این ظواهرش جلب میکند ولی آدم درو، مذذب و از نظر اخلاقی بسیار عقب افتاد است. جرات هیچ کاری را هم ندارد و بی اندازه ترسو است. . . . یکبار گفته بود من با اینکه از نظر زندگی و شیوه فکر با اسکندری موافقم ولی همیشه به کیانوری رای دارم. من به او گفتم نمیخواهد من به رای بدی ولی اگر با کیانوری موافق نیستی چرا به او رای میدی؟ گفت آخر رفقای شوروی او را تأیید میکنند. اسکندری در قسمت دیگر از سخنان خویش در رابطه با اینکه گویا دلیل اعتراضات کیانوری و دیگر اعضای کمیته مرکزی، تخریب اروهای شیمیایی به آنان است، میگوید:

"... اما قضیه و او این حرفها بکلی مزخرف است. من در جلسه به اصطلاح پلنوم هجد همشان، که ما را هم در آن دعوت کرده بودند، گفتم آقا، این چطور در ارضی است که به یکی میدهند زیاد حرف میزند به یکی دیگر بزنند کم حرف میزند. ثانیاً امکان دارد که یکی را و بزنند که اراد هاش تخدیر بشود و راستش را بگوید و نتواند مقاومت بکند. اما دیگر اروا نژاد کمسیون استدلال تا بحال ندیدم بودیم که کسی بزنند که استدلالش خوب بشود. . . ."

در خاتمه اسکندری در مورد علل شکست رهبران حزب تود چنین بیان میکند: "علت آنهم یکی همان سیاست کذابی در نباله روی کامل از دستورات است که سازمان حزبی را به یک سازمان خبرچینی تبدیل کرده. یکی دیگر هم تابعیت مطلق از سیاست خمینی و خمینیسم است که منجر به این شده که تمام نیروهای چپ و انقلابی را به هم میریزد. . . ."